

پیام سندیکا



شماره ۳۲
سال چهارم / مهر ۱۳۹۳
نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

چهارمین سال آغاز انتشار نشریه پیام سندیکا بر کارگران و کوشندگان کارگری و سندیکاهای کارگری ایران فرخنده باد!



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

در این شماره می خوانید :

سریام

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری

گزارشات کارگری

مصاحبه با حسین امیدی

بحران آب

همبستگی جنبش سندیکایی جهانی با کارگران ایران

گزارشات کارگرفلز کار

چگونه فرامین صندوق بین المللی پول در کشورمان اجرا می شود

نگرش فرهنگی نیروی کار

نکوداشت پنجاهمین سال ساخت جان پناه کارگر

با ماهی ها در قله

نظریکی از مسولین جنبش سندیکایی انگلیس در مورد پیام سندیکا

اعتراضات بافق، راهی پر امید، اما طولانی

روز جهانی آموزگار

برگی از قانون

با پیشروان سندیکایی آشنا شویم

امروز زندگی را آغاز کن (شعر)

پیام سندیکا

ماهنامه خبری - تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
سندیکای کارگران نقاش و تزئینات
سندیکای کارگران بنا
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
اتحادیه نیروی کار پروژه ای



<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
sfelezkar1961@gmail.com
www.felezkar.com
irunionmessenger@gmail.com

پیام سندیکا
شماره ۲۲
مهر ۱۳۹۰
چهارمین سال آغاز انتشار نشریه پیام سندیکا
بر کارگران و کوشندگان کارگری و سندیکاهای
کارگری ایران فرخنده باد!

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
سندیکای کارگران نقاش و تزئینات
سندیکای کارگران بنا
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
اتحادیه نیروی کار پروژه ای

چهارمین سال آغازانتشارنشریه پیام سندیکا بر کارگران و کوشندگان کارگری و سندیکاهای کارگری ایران فرخنده باد!

دوستان کارگر، 32مین شماره پیام سندیکا درحالی منتشر می شود که پا به چهارمین سال انتشار آن می گذاریم. تلاش بی وقفه ما در انعکاس رویدادهای کارگری و آشنا کردن خوانندگان با نظرات کوشندگان کارگری و بالا بردن سطح آگاهی کارگران راز وظایف خود می دانیم و برای این مهم، تمامی کوشش خود را بکار بسته و خواهیم بست. در طی این سالها بسیاری از دوستان ما را یاری کردند وبسیاری در رساندن آن به خانه های کارگری بدون هیچ چشم داشتی یاور پیام سندیکا بودند. دوستانی با راهنمایی های خود به بهتر شدن پیام سندیکا کمک کردند تا این نشریه در حد نام و شخصیت کارگران ایران باشد. هرچند که هنوز کاستی هایی را پیام سندیکا دارد، ولی با همکاری شما تلاش داریم هر شماره بهتر از شماره قبل باشد. سپاس ما نثار همه همکارانی که از روزنخست یار و کمک حال پیام سندیکا تاکنون بودند. در اولین شماره شعر زیر را برای دورنمای کارمان و اهداف انسانی وآرمان های کارگری خود برگزیدیم، که تقدیم می کنیم به همه کارگران و زحمتکشان ایران و همه دوستداران جنبش کارگری ایران.

با پخش هرچه وسیع تر پیام سندیکا آگاهی را به
خانه های کارگری و کارخانه ها ببریم!

زندگی مزرعه صلح و صفاست؛

چشمه خوبی هاست؛

دانه ای گر بنشانی در خاک؛

حاصلش خرمنی از مهر و وفاست؛

عشق باید ورزید؛

مهر باید افشاند .

زیستن با مردم؛

مهربانی است به خود؛

این پیامی است؛

که در قلب تو ره می یابد؛

مردمی باید بود

مردمی باید زیست

مردمی باید ماند .

تحریریه پیام سندیکا

مهر 1393

سرپیام

در این شماره به سه موضوع فساد و آموزش و پرورش و اعتصاب بافق می پردازیم.

فساد را چه چیز بوجود می آورد ؟

بر اساس گزارش خبرگزاری «ایسنا»، دکتر حسن روحانی، در جلسه شورای اداری استان چهارمحال و بختیاری، مسایلی را درباره فساد در طول سال های اخیر، عنوان کرد: «... با بی عقلی ها کاری کردند که آنها بیایند و نفت ما را تحریم کنند... تحت نام دور زدن تحریم ها، نفت را دادند به عده ای و بُردند و خوردند و ملت ایران را دور زدند ... بازی هایی که برخی این روزها در می آورند و می گویند فلان جا رانت شد، برای پوشاندن این رسوایی ها است. ما قصد دعوا با کسی نداریم ولی مردم باید بدانند در سال های گذشته چه بر سر آنها گذشته است.»

مسئله فساد مالی آنقدر عیان است که نیازی به بازگویی از طرف آقای روحانی نیست. دهه هاست رفیق دوست ها، بابک زنجانی ها و خاوری ها ثروت کارگران را می دزدند. رشوه خواری و فساد در عالی ترین سطح های اداری، قضایی، قانون گذاری پدیده دردناکی است که مردم ما به خوبی با آن آشنايند. آنچه مردم خواهان آنند ریشه یابی علل و گسترش رشد این پدیده در تمام سطوح و مهم تر از آن برخورد با سیستمی است که این فساد از آن ایجاد می شود. پیشروان کارگری سالهاست که می گویند سیاست در های باز و خصوصی سازی و واردات و پناه بردن به سیاست های سرمایه داری و اجرای دستورات صندوق بین المللی پول رشوه خواری و اختلاس را به همراه دارد. در حالی که سرمایه داران وابسته به

سرمایه داری جهانی در دولت و دستگاههای اداری نفوذ پیدا کرده و سیاست های خود را براحتی پیش می برند، بی تردید باید برای پیشبرد این سیاست ها کثیف رشوه بدهند و اقتصاد صنعتی را نابود کنند. از طرف دیگر کارگران و سندیکاهای کارگری که نظارت دقیق خود را بر امور جامعه و روابط کاروکارگر برخورد واجب می دانند می باید سرکوب شوند تا دشمنان مردم ایران براحتی به چپاول ثروت و نابودی دستاوردهای انسانی دست بزنند. نمونه اش مجتمع نیشکر هفت تپه که در خاورمیانه بی نظیر است و می تواند فراورده های قندی منطقه و حتا بازارهای آسیایی را اشباع کند. اما مدیران دلباخته به نظام خصوصی سازی سرمایه داری با انتصاب مدیرانی که از صنعت غذایی چیزی نمی دانند، این مجتمع را به شکلی در آورده اند که جز نابودی راه دیگری ندارد. این مدیران بی لیاقت با عملکرد خود می خواهند ثابت کنند که جز خصوصی سازی راهی برای این صنعت باقی نمانده است. اما کوشندگان کارگری می دانند که فساد زائیده سیستم سرمایه داری و سیاست درهای باز است. روزگاری امیر عباس هویدا نخست وزیر شاه می گفت: «حالا دیگر احتیاج نداریم همه چیز را خودمان بسازیم و یا تولید کنیم. با فروش نفت پول داریم، هر چه بخواهیم می خریم!» و امروز کسانی هم صدا با این نوای شوم برای بدست آوردن سودهای کلان از واردات کش شلوار و آب تا قطعات هسته ای سخن می گویند و سخنگوی دولت هم این آقایان را از دادن مالیات معاف کرده است.

آموزش و پرورش پولی یا خصوصی

بازگشایی مدارس در هر سال بخشی از فرزندان زحمتکشان را از تحصیل باز می دارد و این برای خانواده های زحمتکش رنجی جانکاه است. وجود انواع مدارس از تیزهوشان، نمونه دولتی، شاهد، غیر انتفاعی و دولتی نشان

از طبقاتی بودن آموزش و پرورش است. با طرح خصوصی شدن آموزش و پرورش زحمتکشان و فرزندانشان تبعیض رابخوبی حس می کنند. وجود مدارس گوناگون به معنی این است که هر چقدر پول بدهی همانقدر میتوانی به آینده آموزشی فرزندت مطمئن باشی. این تبعیض فقط در مورد دانش آموزان نیست بلکه در دانشگاهها هم همین اتفاق افتاده است. دانشگاه آزاد، پیام نور،... و گران کردن 25 درصدی شهریه دانشگاه آزاد رسال جاری همه به معنی پولی شدن آموزش است. آموزگاران نیز با این تبعیض آشنایند. آموزگاران که بتوانند نظر مقامات را جلب کنند به مدارس بهتر راه خواهند یافت. این آموزگاران با ترتیب دادن کلاس های خصوصی و بردن دانش آموز به این کلاسها سعی می کنند اولیای دانش آموزان را سرکیسه کنند. همین آموزگاران حتا می توانند با گرفتن پولهای آنچنانی سوالات رانیز در کلاسهای خصوصی به دانش آموز بدهند تا بتواند بهترین نمرات را مال خود کرده و در بهترین مدارس باشهریه های سرسام آور درس بخواند. در مقابل این آموزگاران که سیستم سرمایه داری تربیت می کند، هستند آموزگاران زیادی که در روستاها و مدارس جنوب شهر و مناطق تهیدست کارگری تلاش می کنند که با امکانات اندک شان دانش آموزانی با فرهنگ و با وجدان تربیت کنند. یکی از دستورات صندوق بین المللی پول حذف مدارس دولتی و افزایش مدارس خصوصی است. فرزندان زحمتکشان باید برای کارگری تربیت شوند و فرزندان ثروتمندان برای مدیریت و بهره کشی از این فرزندان. از دانشنامه های قلابی که بسیاری از مقامات با دادن رشوه از آن برخوردارند و در روزنامه ها هر روز عنوان می شود، نام نمی بریم. خصوصی سازی در آموزش و پرورش محیط خوبی برای پرورش فساد است.

اعتصاب بافق و درس هایش

دور دوم اعتصاب بافق به پایان رسید. آنچه روشن است دولت دستورات صندوق بین المللی پول را بی کم و کاست اجرا خواهد کرد و برخورد با نمایندگان کارگران در دستور روز این دولت برای جلوگیری از هرمانعی در جهت اجرای خصوصی سازی و به دنبال آن مقرارت زدایی و نابودی قانون کار، قرار دارد. احکام صادر شده برای فعالین کارگری که در آخرین نوع آن جریمه و شلاق برای نمایندگان کارگران پتروشیمی رازی است و بازداشت 8 کارگر کاشی گیلان، نشان از برخوردهای سختی است که از این به بعد با فعالان کارگری خواهد شد. قول های داده شده به صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی بسیار مهمتر از قولهایی است که به کارگران داده شده است که نمونه اش را در تصویب دستمزدهای امسال تجربه کردیم. آنچه به ما کارگران مربوط است شیوه برخورد با موضوع خصوصی سازی و دستورات صندوق بین المللی پول است. تجربه به کارگران آموخته در فرآیند خصوصی سازی، کارفرما به دنبال افزایش تولید با هزینه کمتر و سود بیشتر است که به دنبال آن اخراج بخشی از کارگران و سپس کاهش دستمزدها روی خواهد داد. پیامی که در این برخوردها بوضوح به شکل های کارگری فرستاده شده است بسیار رساوگویاست: **خصوصی سازی و بی قانونی کامل برای سود بیشتر برای سرمایه داری و برای طبقه کارگر و پیشروان کارگری بیکاری و زندان.** پس باید هوشیار بوده از تمام شیوه های اعتراضی از جمله اعتصاب استفاده کنیم. متأسفانه آنچه در این اعتصاب به آن پرداخت نشده است درس گیری از اعتصاب بافق و بررسی نقاط قوت و ضعف آن است. نقطه قوت این اعتصاب همه گیر شدن آن بود. اعتصاب معدن چادرملو اولین اعتصابی بود که به کارگران و پیشروانش یاد داد بدون فراگیر شدن اعتصاب،

موفقیت اندک خواهد بود. این اعتصاب همه خانواده های معدن چیان را در بر گرفت و حتا کارکنان حراست معدن نیز به آن پیوستند. کوشندگان کارگری در معدن چادرملو به این نکته پی برده بودند که تا همه اعضای معدن با این اعتصاب موافق نباشند کاری ازپیش نخواهند بردوکارفرمابا دامن زدن به تفرقه آنان را شکست خواهد داد. این همبستگی در معدن بافق نیز اتفاق افتاد. در بافق نه تنها خانواده های معدن چیان بلکه تمام شهر پشت خواسته های کارگران اعتصابی ایستادند تا بدانجا که رهبران خود را با همراهی کارکنان حراست در معدن بافق محافظت کردند. حتا یگان گارد ویژه هم از ترس مردم به قرارگاه های خود عقب نشست و امام جمعه و نماینده وزارت کشور **مجبور شدند** از اعتصابیون حمایت کنند. این درسی است که همه کوشندگان کارگری باید فرا گرفته و به رهبران دو معدن چادرملو و بافق برای چنین سازماندهی آفرین بگویند. سالهاست که اعتصاب های کارگری با نادیده گرفتن اصول اولیه اعتصاب خود منجر به شکست اعتصاب می شوند. از اعتصاب با شکوه رانندگان شرکت واحدتهران تا معدن بافق. همانطور که در اعلامیه سندیکای کارگران شرکت واحد بدرستی به آن اشاره شد، نبودیک سندیکاییکی از نقاط ضعف این اعتصاب بود. اما آنچه که از طرف رهبران اعتصاب نادیده گرفته شد این بود، که اعتصابیون فکر می کنند این **فقط** مشکل آنهاست و باید خود آنرا حل کنند. غافل از اینکه دستمزد و یا خصوصی شدن هابه همه کارگران ایران مربوط است و مشکل آنان مشکل دیگر کارگران ایران نیز هست. متاسفانه اعتصابیون به شدت از ارتباط گیری با کوشندگانی که به حمایت از آنها برخواسته اند خودداری کرده و همین نقطه ضعف است که کارفرمایان بخوبی از آن استفاده کرده و معترضین را سرکوب می کنند. 150 سال از پیروزی کارگران پاریسی و تشکیل اولین حکومت کارگری

می گذرد. کارگران پارسی فکرمی کردند خودبه تنهایی می توانند سرمایه داری را که برای سرکوبش اقدام کرده بود را شکست دهند. آنان از ارتباط گیری با دیگر کارگران فرانسوی سرباز زدند و از کمک برادران و خواهران کارگراشان برای پیروزی بر دشمن مشترک چشم پوشی کردند و اولین حکومت کارگری پس از دوماه شکست خورد. رهبران اعتصابی باید از قبل با کارگران دیگر مراکز تولیدی تماس گرفته و حمایت آنان را از اعتصاب خود جلب کنند تا در موقع اعتصاب کارگران دیگر به حمایتشان برخیزند. در اعتصاب بافق و اعتصاب چادرملو و پلی اکریل، هرچند سندیکا های کارگری به حمایت این اعتصابیون برخاستند ولی نشانه ای از همکاری و پاسخ مثبت مشاهده نکردند. آیا اگر اعتصابیون بافق حمایت سندیکاهای کارگری را پاسخ می گفتند رهبرانشان با وثیقه های چند ده میلیونی آزاد می شدند؟ متأسفانه این اعتصاب نتوانست جامعه کارگری را تحت تاثیر قرار دهد. هر چند که سندیکاهای کارگری با تمام امکاناتشان برای حمایت گسترده جامعه کارگری از اعتصاب بافق به پاخواست اما عدم ارتباط این حمایت را عقیم گذاشت. تجربه ثابت کرده اعتصابیونی موفق هستند که: سندیکای خود را تشکیل داده باشد تا بتواند از خرد جمعی کارگران استفاده کند. اعتصاب باید همه گیر بوده و خواسته های خود را به روشنی اعلام کند. تشکیل صندوق اعتصاب به اعتصابیون کمک کند تا در مواقع سخت از نمایندگانشان حمایت کرده و باعث مقاومت اعتصابیون خواهد شد. اعتصابیون از قبل دیگر کارگران را با خبر ساخته و حمایت آنان را از اعتصاب داشته باشند. حق اعتصاب، مبارزه در راه بهبود وضع زندگی زحمتکشان و جامعه بوده و چشم پوشیدنی نیست. از این حق تا پای جان دفاع می کنیم. هیات تحریریه پیام سندیکا

هرگونه برخورد پلیسی امنیتی با کارگران معدن سنگ آهن بافق را محکوم می کنیم

سندیکای کارگران شرکت واحد چون گذشته همانند میلیونها کارگر ایران همبستگی و پشتیبانی کامل خود را از اعتراضات عدالت خواهانه کارگری زحمتکشان معادن شهر بافق استان کرمان اعلام می نماید، و اعمال هر گونه حرکات سرکوب گرانه پلیسی امنیتی ، بازداشت، زندان ، اخراج و انحلال علیه این کارگران زحمتکش را به شدت محکوم می کند و از مسئولان ، به ویژه وزارت کار که موظف به دفاع از حقوق کارگران است می خواهد فوراً شرایط عادی محل کار را برقرار و انجام گفت و گوی عادلانه و برابر با کارگران ، احیای حقوق پایمال شده و انجام در خواست های بحق این زحمت کشان را فراهم نمایند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

یکم شهریور 1393

**«تشکیل سندیکاهای کارگری و ارتباط
مستمر سندیکاهای کارگری با هم ، رمز
پیروزی جنبش کارگری ایران است.»**

نه به خصوصی سازی و بیکاری و بازداشت کارگران!

پنج روز از اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن بافق در اعتراض به خصوصی سازی این معدن می گذرد. با خبر شدیم که نه تنها دو کارگر بازداشتی آزاد نشده اند، بلکه ساعت یک نیمه شب امروز پنج کارگر دیگر معدن به همراه رییس شورای شهر بافق توسط پلیس بازداشت شدند. این کارگران جزء لیست بازداشت ۱۸ نفره پلیس هستند که به دلیل پناه گرفتن در میان کارگران معترض، پلیس موفق نشده بود آنان را بازداشت کند. تجربه به کارگران آموخته در فرآیند خصوصی سازی، کارفرما به دنبال افزایش تولید با هزینه کمتر و سود بیشتر است که به دنبال آن اخراج بخشی از کارگران و سپس کاهش دستمزدها روی خواهد داد. کارگران با آگاهی از اینکه بیشتر قراردادهای کارگران معدن سنگ آهن بافق موقت است و اگر این کارگران با کارفرما یا پیمانکار به مشکل بخورند، قراردادهایشان تمدید نمی شود، دست به اعتصاب زدند.

در اعتصاب اول که دو ماه پیش روی داد، وزیرکار با حضور در میان کارگران در جمله ای تاریخی به نمایندگان کارگران گفت «اگر این اعتصاب (که ۳۹ روز طول کشید)، ۳۳۹ روز هم ادامه پیدا می کرد اجازه نمی دادم مویی از سر کارگرها کم شود.» امروز معلوم می شود که چه مویی قرار است از سر کارگران کم شود. آنچه روشن است دولت دستورات صندوق بین المللی پول را بی کم و کاست اجرا خواهد کرد و برخورد با نمایندگان کارگران در دستور روز این دولت برای جلوگیری از هر مانعی در جهت خصوصی سازی و به دنبال آن مقرارت زدایی و نابودی قانون کار، قرار دارد. قول های داده شده به صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی بسیار مهم تر از قولهایی است که به کارگران داده

شده است که نمونه اش را در تصویب دستمزدهای امسال تجربه کردیم. با توجه به روند برخوردهای غیرقانونی با نمایندگان کارگری که از اخراج و دادگاهی شدن دبیرانجمن صنفی کارگران معدن چادرملو شروع شد و سپس نمایندگان کارگران پلی اکریل و نمایندگان کارگران پتروشیمی رازی و نماینده کارگران پالایشگاه آبادان را در بر گرفت و امروز حمله و سرکوب کارگران و نمایندگان آنان در معدن سنگ آهن بافق را مشاهده می کنیم که بی تردید فردا نوبت ماست. پیامی که در این برخوردها به وضوح به شکل های کارگری فرستاده شده است بسیار رسا و گویاست : خصوصی سازی و بی قانونی کامل برای سود بیشتر برای سرمایه داری و برای کارگران و پیشروانش بیکاری و زندان.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت همه جانبه از خواسته های کارگران معدن سنگ آهن بافق ،خواستار آزادی همه نمایندگان کارگری این معدن و لغو حکم دستگیری دیگر نمایندگان این معدن می باشد و اعلام می کند از هرگونه کمکی به این کارگران دریغ نخواهد کرد و خانواده های این کارگران تحت پوشش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هستند.

**نه به دستورات صندوق بین المللی پول و بیکاری
و سرکوب کارگران!**

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393/6/1

طبقه کارگر هیچ وقت شکست نخواهد خورد !

کارگران در ایران همچنان زیر هجوم مدافعان سرمایه قرار دارند. هم زنجیران ما در ایران ، هر روز در دفاع از خواست و مطالبات اولیه خود دست به اعتراض می زنند . این اعتراضات به دلیل عدم اتحاد و همبستگی در ابعاد سراسری ، به نتیجه دلخواه نمی رسد . ما کارگران در ایران به دلیل شرایط و فشار های پلیسی ، عدم امنیت شغلی ، فقر فزاینده و بیکاری میلیونی نتوانسته ایم به شکل یابی خود برسیم . امروز (چهارشنبه 5 شهریور ماه) کارگران معدن سنگ آهن بافق، نهمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند و این در حالی است که تعدادی از کارگران و نمایندگان کارگری همچنان در بازداشت هستند . طبق آخرین خبر های رسیده خانواده های کارگران بازداشتی سنگ معدن بافق امروز مجددا در مقابل فرمانداری دست به تجمع زده اند.

حمایت از خواست و مطالبه کارگران وظیفه هر کارگر و ستمدیده ای است که به این دنیای وارونه معترض است. حمایت از تمامی کارگران زندانی و تلاش برای آزادی این عزیزان از وظایف طبقاتی ما کارگران است . ما بارها تجربه کرده ایم که بدون سازماندهی ، بدون داشتن تشکل های مستقل و طبقاتی ، مبارزه جسورانه ما ره به جایی نخواهد برد . برای رسیدن به خواست و مطالبات به حق خود، باید حول مبرمترین خواست ها متشکل شد. ایجاد تشکل در محیط کار و زندگی . ایجاد ارتباط منظم و همه جانبه بعنوان یک جسم واحد، وظیفه ما کارگران است . خانواده میلیونی ما کارگران تنها در شرایطی می تواند به خواست و مطالبه خود دست یابد که در کنار هم و با هم متحد و متشکل یک صف واحد را داشته باشیم ، وگرنه تلاش های جسورانه و فردی ما کارگران

با یورش محافظان سرمایه روبرو خواهد شد. هر چند که ما سرکوب می شویم اما ثابت کرده ایم که سرکوب نمیتواند برای همیشه ما را مرعوب کند و باور من بر این است که هیچ وقت ما شکست نخورده ایم ،چرا که کارگران یک بار پیروز خواهند شد . باید برای این پیروزی متحد شد.

من ، علی نجاتی بعنوان یک کارگر و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه و یک عضو از خانواده بیشمار کارگران جهان ، حمایت خود را از خواست کارگران سنگ معدن بافق اعلام داشته و یورش به صف اعتصاب کارگران سنگ معدن بافق و بازداشت کارگران معترض را محکوم می کنم و خواستار آزادی فوری این عزیزان و دیگر کارگران دربند هستم.

"زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران"

**علی نجاتی کارگر اخراجی و عضو هیئت مدیره
سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه**

چهارشنبه 5 شهریور ماه 1393

پیروزی بزرگ کارگران شریف معدن بافق را صمیمانه شاد باش می‌گوییم !

زحمت‌کشان عدالت طلب شرکت واحد پیروزی دادخواهی بزرگ کارگران شریف اعتصابی معدن سنگ آهن بافق را به ایشان و خانواده‌های گرامی متحصن و یاران‌شان و همه مردم عدالت دوست ایران و جهان صمیمانه شاد باش می‌گویند.

آنها همراه با این شاد باش از جامعه کارگری آگاه و زحمت‌کش معدن سنگ آهن بافق دوستانه دعوت می‌کنند برای پاسداری از دستاوردهای این پیروزی بزرگ و نگرهبانی بهتر از حقوق خویش بر پایه حقوق بنیادین کارگری «منشور جهانی حقوق سندیکایی» هر چه زودتر سندیکای مستقل کارگری خود را تشکیل دهند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شهریور 93

« سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هم صدا با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به کارگران بافق شادباش گفته و توصیه سندیکای کارگران شرکت واحد مبنی بر تشکیل سندیکای کارگری در معدن بافق را در راستای پاسداری از حقوق کارگری، اصلی مهم در مبارزات کارگران می‌دانیم.»

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

پایمال کردن حقوق کارگر زندانی بهنام ابراهیم زاده را پایان دهید!

بهنام ابراهیم زاده کارگر رنج کشیده کارخانه پلی- اتیلن مهدی آباد باقر شهر (باقر آباد جاده قم) واقع در محرومترین مناطق جنوب تهران نزدیک به پنج سال است که مظلومانه زندانی بوده و در دوره زندان تنها فرزند نوجوانش به بیماری خطرناک خونی مبتلا و هم اکنون بیش از دو سال است مراحل دشوار معالجه بیماری سخت خود را تحت نظر پزشکان موسسه خیریه محک تحمل می کند. علاوه بر این فشارهای اقتصادی کمرشکن و مخارج خانوادگی، درمان، رفت و آمد به بیمارستان و زندان و مستاجری در باقر آباد، شرایط روحی روانی وحشتناکی را برای این کارگر مظلوم و خانواده ستمدیده اش ایجاد کرده است. حال با چنین شرایط طاقت فرسا و دهشتناک ستم دیگری بر ایشان و خانواده زجر کشیده او تحمیل شده و او را که گویی اسیری بدون حق و حقوق از دوران برده داری است به زندان رجایی شهر و به میان مجرمان جرایم خطرناک منتقل نموده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد که خود بعنوان یک نهاد همیشه تحت مجازات روزگار می گذراند؛ دفاع از حقوق این کارگر زندانی را وظیفه خود می داند. لذا نقض حقوق این کارگر زندانی را محکوم نموده و ضمن دفاع از خواسته های بحق ایشان مصرا از مسئولان می خواهد ضمن انتقال ایشان به زندان اوین شرایط فوری آزادی او را فراهم آورند. برای این اقدام انسانی و عادلانه حمایت همه سازمانها و نهادهای راستین کارگری و آزادگان مردمی و عدالت خواه را خواستاریم. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شهریور ماه 93

جان بهنام ابراهیم زاده در خطر است، به کمکش بشتابیم!

بهنام ابراهیم زاده کارگر کارخانه ای در تهران به جرم حق طلبی در زندان است. فرزند او نیما مبتلا به بیماری سختی است. در روزهای اخیر خبرهای ناگواری از شرایط جسمی ابراهیم زاده گزارش می شود. او در اعتراض به شرایط غیرقانونی که به او تحمیل شده است 14 روز است که دست به اعتصاب غذا زده است. طبق گفته همسرش او در وضعیت خطرناکی بسر می برد و از همه کارگران سندیکای خواسته به یاری او بشتابند. در بخشی از نامه اش چنین می نویسد: « از شما میخواهیم با اقداماتی سراسری فشار بیشتری بر دستگاه قضایی بیایید تا بهنام، همسر و پدر فرزند بیمارم آزاد شود. ما پیشاپیش از هرگونه اقدام شما در سراسر دنیا قدردانی میکنیم.»

سندیکاهای کارگری جهان، خواهران و برادران سندیکایی

در حالی که کارگران معدن سنگ آهن بافق در اعتصاب بسر می برند و نمایندگان این کارگران بازداشت و روانه زندان شده اند و دیگر نمایندگان در معدن در میان کارگران اعتصابی برای دستگیر نشدن قرار دارند ، بهنام ابراهیم زاده هم نه تنها حقوق قانونی اش رعایت نمی شود بلکه به آخرین حربه مبارزه که اعتصاب غذاست روی آورده تا بتواند از حقوق انسانی اش محافظت بکند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از شما دوستان می خواهد از آنچه در توان دارید ، برای بهبودی وضعیت بهنام ابراهیم زاده تلاش کنید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک 1393/6/1

«با توجه به درخواست سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از سندیکاهای کارگری جهان، دیوید پرنطیس دبیرکل فدراسیون یونیسون نامه اعتراضی زیر را برای مقامات ایرانی فرستاد.»

به: پرزیدنت روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، ایران ۲ سپتامبر ۲۰۱۴

جناب رئیس‌جمهور،

از طرف ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار عضو یونیسون (UNISON) که در بخش دولتی در بریتانیا کار می‌کنند، از دولت شما می‌خواهم که نسبت به بهنام ابراهیم‌زاده، فعال سندیکایی، رحم و شفقت نشان دهید که رفتاری که در زندان اوین با او می‌شود دست کمی از برخورد بربرمنشانه ندارد. از شما می‌خواهم که او را آزاد کنید؛ امنیت و سلامت او و شمار زیاد زندانیان سیاسی در کشور شما به علت رفتاری که مسئولان و مأموران با او و امثال او می‌کنند، در خطر است.

او را زندانی و شکنجه کرده‌اند و در سلول انفرادی حبس کرده‌اند، و مرتب اتهام‌های تازه‌ای به او می‌زنند تا او را به «جرم» سازمان‌دهی کارگران و عضویت در یک سندیکا، همچنان در زندان نگه دارند.

خانواده بهنام را نیز مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند. لازم نیست آنچه را در روز ۸ تیر ۱۳۹۳ پس از ملاقات او با همسر و پسرش در زندان اوین رخ داد برای شما تکرار کنم. سؤال و جواب کردن و ارباب خانواده او توسط مأموران امنیتی ایران، غیرانسانی و کاملاً غیرقابل قبول

است. اتهام تازه‌ای که در مورد ایجاد ناآرامی در زندان به او زده می‌شود، به گمان من بهانه‌ای است برای اینکه حکم جدیدی به او بدهند. او اکنون اعتصاب غذا کرده است که وضعیت سلامتی وخیم او را، وخیم‌تر خواهد کرد. از منابع قابل اعتماد به من اطلاع داده‌اند که مسئولان زندان او را تهدید کرده‌اند که اگر به اعتصاب غذایش پایان ندهد، او را به سلول انفرادی منتقل خواهند کرد.

امروزه بسیاری از فعالان سندیکایی در سراسر جهان به قتل می‌رسند و به خاطر فعالیت‌های سندیکایی‌شان تهدید می‌شوند. مسئولیت دولت هر کشوری است، از جمله دولت کشور من، که رفاه همه شهروندان را تأمین و تضمین کند. هدف قرار دادن نمایندگان کارگران صرفاً به علت اینکه اعضای سازمان کارگری‌شان را نمایندگی کرده‌اند، در یک جامعه متمدن غیرقابل تحمل است.

ایران فرهنگ کهن و پرافتخاری دارد که بیشتر از ۳۰۰۰ سال قدمت دارد. منکوب کردن زحمتکشان در قرن بیست و یکم به شهرت کشور شما لطمه می‌زند، و فقط آن را به ناآرامی و نابسامانی بیشتر خواهد کشاند. تاریخ نشان می‌دهد که زحمتکشان را فقط برای مدتی می‌شود در غل و زنجیر - واقعی یا استعاره‌یی - نگه داشت. سرانجام روزی خواهد رسید که اراده و خواست مردم تحقق خواهد یافت.

من مؤکداً از شما می‌خواهم که به حقوق بشر و حقوق کارگران احترام بگذارید، و برادر ما بهنام ابراهیم‌زاده را مورد عطف و رحمت قرار دهید. ادامه حمله به جنبش سندیکایی به شهرت کشور شما لطمه بیشتری می‌زند. سرنوشت بهنام و دیگران در دستان شماست.

با احترام،



دیوید پرنٹیس

دبیرکل

رونوشت:

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر info@leaser.ir

قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران ipr@iranjudiciary.org

و info@judiciary.ir

وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران office@justice.ir

جناب ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه بریتانیا

fcocorrespondence@fco.gov.uk

« همبستگی و حمایت بین المللی سندیکاهاى کارگرى
با خواهران و برادران کارگراشان در سراسر جهان از
وظایف اولیه همه کارگران سندیکایی است . این اصل
مهم در جنبش کارگرى را بیاموزیم و بکار ببندیم.»

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در باره راه اندازی سایت جدید

با سلام؛ احتراماً به آگاهی همکاران گرامی شرکت واحد و همه‌ی کارگران و سازمان‌های بین‌المللی کارگری و سندیکاها و دوست‌داران جنبش سندیکایی و کوشندگان راستین حقوق کارگری و اجتماعی و دیگر نهادها می‌رساند، به‌دلیل نارضایتی عمومی اعضای سندیکا از کارکرد وبسایت قبلی سندیکا و ردّ درخواست‌های مکرر جمعی مبنی بر تحویل سایت و نادیده انگاشتن این اراده‌ی جمعی، به‌ناچار اعضای سندیکا در چند ماه گذشته در نشست‌ها و گفتگوها و بررسی‌های طولانی و همه‌جانبه‌ی مکتوب‌شده، بر پایه‌ی روش رای‌گیری و خرد جمعی، بدون رای مخالف و تنها با یک رأی سفید، به‌اتفاق آرا حمایت خود را از سایت قبلی قطع کرده و هر گونه همکاری با آن را پایان داده‌اند و موافقت خود را با راه‌اندازی ایمیل و وبسایت جدید سندیکا که هم‌اکنون بیننده‌ی آن هستید، اعلام نمودند. <http://vahedsyndica.com>.

سندیکا تلاش پیگیر دارد همراه با دفاع از حقوق همکاران زحمتکش و حقوق عمومی کارگران با استفاده از راهنمایی، همیاری، پیشنهادها و انتقادهای این عزیزان به مرور زمان، کارایی وبسایت جدید سندیکای کارگران شرکت واحد را بهتر و بهتر نماید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
تهران و حومه مرداد ماه ۹۳

آدرس ایمیل، vsyndica@gmail.com

شاد باش های کارگری به کانون نویسندگان ایران

سندیکای کارگران شرکت واحد آغاز بکار دور تازه تلاش و کوشندگی کانون نویسندگان ایران را جانانه شاد باش می گوید و پیروزی آن نهاد مردمی را آرزو دارد.

کانون نویسندگان ایران به مثابه سندیکای نویسندگان مردمی و آزاده این سرزمین از بدو پیدایش تاکنون با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب بسیار، نزدیک به پنج دهه پشتیبانی استوار از آزادی و داد را در کارنامه داشته و در این راه رنج های انبوه از زندان، شکنجه و جان باختن را از سر گذرانده و بر آرمان های مردمی اش ایستادگی و پای فشرده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد که همانند کانون نویسندگان ایران خود زخم خورده دوران است همبستگی های همدلانه و همیشگی این نهاد گرامی را سرفرازانه بیاد داشته و آنرا سپاسگزار است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

شهریور 93

«سندیکای کارگران فلزکارمکانیک برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران را به هیات مدیره این کانون شادباش گفته و آرزومندیم که دورجدید این فعالیت در سایه همکاری با سندیکاهای کارگری مستحکم تر از همیشه باشد.»

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

شلاق و زندان علیه کارگران معترض و حق طلب محکوم است

زمانی که فقر و فساد و تبعیض در سرزمین ما آنچنان رشد و گسترش یافته که برای مبارزه با آن ستادی با مسئولیت سران سه قوه تشکیل می‌شود باید فهمید اولین قربانیان چنین شرایط وحشتناک و مصیبت باری اقشار ضعیف اجتماع، به ویژه کارگران عموماً قراردادی هستند. که با دریافت حداقل دستمزد، که آن هم چند ماه عقب افتاده روزگار هر چه تلخ‌تری را از سر می‌گذرانند. این کارگران مصیبت زده که چوب فساد و غارت‌گری مشتی مدیر نابکار را می‌خورند باید تاوان گناه و خطایی را بپردازند که خود هیچ نقشی در آن نداشتند. البته این اوضاع نابسامان در حالی کارگران را چهار میخ کرده که ثروت‌های باد آورده رانته آقایان نور چشمی سر به رقم‌های نجومی زده و دره شکاف طبقاتی همچنان کارگران و زحمت‌کشان را در خود فرو می‌بلعد. حال چگونه است که اگر قربانیان بیگناه این شرایط هولناک و ناعادلانه اقتصادی دست به اعتراض بزنند و حق خود را طلب نمایند باید با شلاق و زندان مجازات شوند. آیا این است آن عدالتی که نه تنها برای مردمان این سرزمین بلکه برای مردم جهان تدارک دیده‌اید؟! تجربه خونبار مبارزات کارگری ایران و جهان نشان داده است که داغ و درفش و زندان و کشتار نمی‌تواند جلوی دادخواهی و حق‌طلبی کارگران را سد نماید.

صدور حکم ناعادلانه شلاق و زندان برای کارگران حق‌طلب پتروشیمی ماهشهر هم از این قاعده کلی و ابدی جدا نیست و صادر کنندگان چنین احکام ظالمانه باید بدانند با این اقدام، پیشاپیش حکم محکومیت تاریخی علیه خود را صادر کرده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

نیشکر هفت تپه همچنان در اعتصاب

پنجمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه هم گذشت و کسی از مجموعه مدیریتی این کارخانه به کارگران جوابگو نیست. مدیران امور اداری و مالی به بهانه مرخصی از کارخانه بیرون رفته اند. مدیرعامل نیشکر هفت تپه که یک مدیر پروازی است در هفته یک روز آنهم بعد از بیرون رفتن کارگران از کارخانه به داخل کارخانه می آید. این مدیرعامل نه تنها هیچ تخصصی در امر نیشکر و فرآورده های آن ندارد بلکه هزینه یک روز آمدن و رفتن ایشان 12 میلیون برای کارگران و شرکت هزینه دارد. این در حالی است که کارخانه نیشکر هفت تپه میلیاردي به بیمه تامین اجتماعی بدهکار است و بیمه تکمیلی نیز همین طور. در صورتی که این مبلغ چه برای تامین اجتماعی و چه برای بیمه تکمیلی از حقوق کارگران کم شده است. کارگران این مجموعه تنها نصف حقوق خرداد را گرفته و حقوق ماه های تیر و مرداد هنوز پرداخت نشده است. کارگران نه تنها حقوق عقب افتاده خود را می خواهند بلکه طبقه بندی مشاغل را که از سال 87 تاکنون اجرا نشده است را خواستار هستند. متأسفانه فشار بر روی کارگرانی پیشرو از طرف نیروهای امنیتی زیاد است و این کار کارگران را مشکلتر کرده است. در این اوضاع خبر فروش کارخانه کارگران را بیش از پیش نگران امنیت شغلی خود نموده است. نمایندگان دولت برای فروش طرح توسعه اهواز 228 میلیون سهم از قرار هر سهم 10 هزار و 200 تومان قیمت گذاری کرده اند. در صورتیکه زمین های نیشکر هفت تپه که بسیار مرغوب تر از طرح توسعه اهواز است و 17 هزار هکتار هم وسعت دارد 195 میلیون سهم از قرار 8164 هزار تومان قیمت گذاری شده است. کارگران می پرسند که چه دستهایی در

کار است تا سهام نیشکر هفت تپه 33 میلیون کمتر برآورده می شود. کارگران نیشکر هفت تپه با خصوصی سازی مخالفند و هنوز تجربه فروش شرکت قند دزفول رادر 15 سال قبل از یاد نبرده اند. پس از خصوصی شدن این کارخانه پس از چندی کارخانه تعطیل و سپس فروخته شد و 1000 کارگر این کارخانه بیکار شدند. این درحالی بود که مدیران کارخانه ادعا می کردند که کارخانه صرفه اقتصادی ندارد. امروز از دزفول چغندر به اصفهان برده می شود و در آنجا تبدیل به صنایع قندی می شود. راستی چه سیاستی است که کارخانه ها در خوزستان فروخته ولی در استان های همجوارش تاسیس شوند؟ در این کارخانه برای مقابله با کارگران پیشرو سندیکایی انتخابات شورا برگزار شد که با به حد نصاب نرسیدن آرا این انتخابات با شکست مواجه شد.

«سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از خواسته های خواهران و برادران کارگر نیشکر هفت تپه حمایت کرده و خواسته های آنان مبنی بر دریافت دستمزد خرداد، تیر، مرداد و طبقه بندی مشاغل و مخالفت با خصوصی سازی را خواسته های خود می داند. خبر های تکمیلی از این اعتصاب را بازهم پوشش خواهیم داد.» روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک 1393/5/25

اعتصاب کارگران هفت تپه خاتمه یافت!

روز سه شنبه بعد از پرداخت حقوق تیرماه کارگران و کارکنان نیشکر هفت تپه به سرکار خود بازگشتند. اما مشکلات کارگران همچنان پا بر

جاست. هنوز کارگران نصف حقوق خرداد ماه و حقوق مرداد را طلبکارند و معلوم نیست کی پرداخت شود. موضوع جالب در روز گذشته فک پلمب انباری بود که 7500 تن شکر موجودی داشت و بانک ملی به دلیل طلب هایش این انبار را پلمب کرده بود. بانک ملی راضی شد که در سه قسط طلبش را از کارخانه دریافت کند. پس از این رضایت قرار بود که آقای کاظمینی مدیرعامل کارخانه نیشکر هفت تپه در ثبت شوش حاضر شده موضوع فک پلمب را قانونی کند ولی ایشان به دلیل غرور بچگانه اش در اداره ثبت حضور نیافت و حاضر شد 175 میلیون جریمه برای این عدم حضور بدهد ولی 30 کیلومتر تا شوش نرود. شاهکار های این مدیر پروازی که هفته ای یک روز در کارخانه آن هم بعد از رفتن کارگران در کارخانه حضور پیدا می کند تنها به این مورد نیست ایشان با مشاوره مهندس رازی سرخه اجازه دادند تا 15 هکتار از زمین های زیر کشت زیتون را نابود کرده به اشخاص برای هندوانه کاری اجاره داده شود. این درحالی است که کارخانه برای آبیاری نیشکرهایش با مشکل روبروست ولی باید آب مورد نیاز هندوانه کاران را تامین کند. کارگران می پرسند مگر ایشان رستم دستان است که با یک روز آمدن مشکلات کارخانه با این عظمت را بتواند حل کند. این مدیران بی دانش و باری به هر جهت جز کشاندن کارخانه به ورشکستگی و افزایش هزینه های کارخانه هنر دیگری ندارند. شورا های کارگری و سندیکاهای کارگری هستند که می توانند با نظارت مستمر این مدیران بی لیاقت را از کار برکنار کنند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393/5/28

مصاحبه پیام سندیکا با حسین امیدی از فعالین سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

پیام سندیکا: نظر شما در مورد مصوبه مجلس در رابطه با اصلاح ماده 5 قانون بیمه کارگران ساختمانی چیست؟

حسین امیدی : من با یک سوال به این پرسش جواب می دهم. آیا با کم کردن درصد پرداخت انبوه سازان دوباره صنعت ساخت و ساز رونق می گیرد؟ بی تردید نه. چرا که در طی سالهای گذشته صنعت ساخت و ساز پُر سود ترین صنعت بود، اما با بالا و پایین شدن قیمت مصالح ساختمانی سود در این بخش کم شده است. به همین علت انبوه سازان سرمایه خود را در بخش های دیگری به کار گرفته اند. واردات امتیازی است به انبوه سازان سرمایه داری که سرمایه اشان را به این بخش منتقل کنند. و این باعث بیکاری هرچه بیشتر کارگران ساختمانی شده و سفره این کارگران هر روز خالی تر از روز قبل شده است. کارگران ساختمانی که هنوز بیمه نشده اند چگونه می توانند از بیمه بیکاری در این روزهای بیکاری و گرسنگی استفاده کنند. من از مسوولین می پرسم چرا یک میلیون کارگر ساختمانی هنوز موفق نشده اند خود را بیمه کنند و این باعث شده این کارگران قربانی بازی های کارفرمایان در این بخش ساختمانی شوند و هر روز کارفرماها توسط نمایندگان خود در مجلس برای ما یک سد ایجاد کنند. این اصلاحیه در مغایرت کامل با اصل 29 قانون اساسی قرار دارد. همچنین با افزایش سهم پرداختی کارگران ساختمانی به بیمه تامین اجتماعی این کارگران نمی توانند از عهده پرداخت حق بیمه خود برآیند ، چرا که در صنعت ساختمان بحران عمیقی وجود دارد . امسال بیکاری

در این قشر بیداد می کند و کارگرانی که از توان مالی بسیار پایینی برخوردارند این روزها حتا نان خالی هم نمی توانند سرسفره ببرند.

پیام سندیکا: نظرتان در مورد سهم پرداختی کارفرما در بیمه کارگران ساختمانی چیست؟

حسین امیدی: اول بگویم که این قانون بسیار مبهم است و سهم پرداختی کارفرما هنوز مشخص نیست

پیام سندیکا: با توجه به رکود در عرصه اقتصاد، این رکود چه تاثیری در میان کارگران نقاش ساختمان به لحاظ دستمزد و اشتغال داشته است؟

حسین امیدی : رکود در صنعت ساخت و ساز در ابتدا تاثیر خود را در میان کارگران نقاش ساختمان گذاشته است. یکی از دلایل بیکاری بسیار بالا در میان کارگران نقاش از آنجایی که نقاشی یک شغل فصلی است، و تابستانها باید کار نقاشی رونق داشته باشد و این امکان می دهد که کارگران دستمزد خود را بالا ببرند، ولی امسال ما افزایش دستمزد نداشتیم چرا که همه پاتوق ها پر از کارگران بیکار بود. از طرفی هم انبوه سازان از این فرصت استفاده کرده نرخ دستمزد ها را پایین آورده اند از طرف دیگر هم کارخانه هایی که از دور تولید خارج می شوند کارگران خود را بیرون می ریزند. این کارگران هم اغلب به کار ساختمانی روی می آورند که به شغل نقاشی و ساختمانی آسیب های جدی به این شغل می زنند. شما ببینید هر روز در بخش ساختمان یک کارگر می میرد چرا؟ بخاطر اینکه این کارگران با مزد کم و عدم آگاهی از کاری که می کنند بدون لحاظ کردن ایمنی، شغل ساختمانی را پذیرفته و بعد دچار حادثه می شوند. در بخش ساختمان، کارگران اغلب بی سواد هستند و چون کار دیگری نمی توانند بکنند به این شغل وارد می شوند. در حرفه نقاشی هم

کارگری که بخاطر یک لقمه نان جای کارگر وارد را می گیرد بی تردید از کارفرمای نقاش طلب دستکش و ماسک و تهویه وسایل را نمی کند در نتیجه ما امروز در میان سالمندان این رشته بیماری هایی مانند آسم و مشکلات پوستی را مشاهده می کنیم. این رکود تاثیر خود را در سال آینده نشان خواهد داد. چرا که هر روز پاتوق های کارگران نقاش پر از کارگران بیکاری است که منتظر کار نقاشی هستند و با مزدی پایین تر هم کار می کنند. ساختمان هایی که در یکی دو سال گذشته شروع به ساخت کرده بودند امسال به نقاشی رسیده اند. ولی متأسفانه امسال ساختمانی شروع به ساخت نکرده که سال آینده به نقاشی برسد. به همین علت سال آینده شدت بیکاری بالا خواهد رفت. این کارگران بیچاره از کجا و چگونه تامین معاش خواهند کرد؟ آیا دولت نباید به فکر این کارگران باشد ؟

پیام سندیکا : چهار سال از انتشار پیام سندیکا می گذرد . این نشریه کارگری چه تاثیری در میان کارگران نقاش داشته است ؟

حسین امیدی : نشریه پیام سندیکا به خاطر اینکه یک نشریه کارگری است تاثیر بسیار خوبی در میان کارگران نقاش داشته است. اغلب کارگران نقاش از طریق این نشریه با حق و حقوق خود آشنا شده اند. این نشریه کارگران را آماده واکنش نسبت به دفاع از حق و حقوق خود کرده است. پیام سندیکا یک نشریه آموزشی هم هست به همین خاطر تاثیر خوبی در میان کارگران نقاش داشته است.

پیام سندیکا: با سپاس از شما.

مصاحبه ناصر آغاجری دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای با خبرگزاری ایلنا : اخراج جمعی از کارگران فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه به بهانه قدیمی تحریمها

اخراج کارگران در منطقه پارس جنوبی به دلیل کمبود یا اتمام مواد مورد نیاز تولید (متریال)، روندی همواره پیوسته در منطقه است که یکی از قربانیان آن کارگران مشغول به کار در هر یک از این فازها هستند.

آغاجری گفت: متریال شامل انواع مخازن، موتورها، پمپها، کمپرسور و... می شود در ساخت پالایشگاهها استفاده می شود، ادامه داد: به دلیل اعمال تحریمها تهیه و تأمین متریال در منطقه سالهاست که با مشکل روبه است. او ضمن اشاره به شرکت های پیمانکاری دست اول و دست چندم عسلویه که با مشکل کمبود و اتمام متریال مواجه اند، گفت: کارفرمایان این شرکت های پیمانکاری کارگران را به همین بهانه بیکار می کنند و چنان چه کارگران اعتراضی داشته باشند، اعمال تحریم ها دلیل محکمی برای توجیهات پیمانکاران است. وی با تأکید بر این موضوع که نباید به این دلیل «امنیت شغلی کارگران» به خطر بیافتد، ادامه داد: هر یک از این پیمانکاران پروژه های متفاوتی در فازهای مختلف بر عهده دارند و می توانند این کارگران را به پروژه های دیگر منتقل کنند اما این کار صورت نمی گیرد.

مصاحبه کارگر سندیکای فلزکار مکانیک با ایلنا:

تأخیر ۳ ساله در تحویل مسکن مهر کارگران فلزکار و مطالبه ۷ میلیون تومان پول اضافه

شرکت عمران پرند بعد از سه سال تأخیر در تحویل آپارتمان‌های اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک، اکنون از آنان ۷ میلیون تومان دیگر مطالبه کرده است. تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک در در بلوک‌های ۲۳۲ و ۲۳۴ فاز ۶ شهر جدید پرند (پروژه هسایک) حدود ۴۰ دستگاه آپارتمان خریده است اما با گذشت نزدیک به سه سال از موعد تحویل، آپارتمانی به اعضای تعاونی تحویل داده نشده است. عمران پرند باید در تاریخ ۳۰ آذر ۹۰ آپارتمان‌ها را به اعضای تعاونی تحویل می‌داده است اما تحویل آپارتمان‌ها از آن زمان به تأخیر افتاده است. شرکت عمران پرند در حالی برای تحویل این آپارتمان‌ها هزینه جدیدی را از کارگران مطالبه کرده است که در اردیبهشت سال جاری نیز اعلام کرده بود هر یک از اعضا برای دریافت آپارتمان‌اش سه میلیون تومان اضافه بر مبلغ درج شده در قرارداد - که حدود ۱۱ میلیون تومان بوده است - پرداخت کند. حجت رضایی از اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک در همین رابطه به ایلنا گفته است هنگامی که دیروز به شرکت عمران پرند مراجعه کرده است، مسئولان این شرکت از او خواسته‌اند حدود ۷ میلیون تومان دیگر پرداخت کند و سپس به او گفته‌اند خانه‌اش را در بهترین حالت پایان سال آینده تحویل می‌دهند. آقای رضایی در عین حال گفته مسئولان شرکت عمران پرند پیش‌تر به او قول داده بودند خانه‌اش را پایان خرداد امسال تحویل می‌دهند. او در گفتگو با خبرنگار ایلنا تأکید کرده است از ۲ سال پیش که ۷۰ درصد آپارتمان‌های

پروژه «هسا یک» تکمیل شده، ساخت و ساز در این پروژه متوقف شده است.گفتنی است مدیرعامل عمران پرند اردیبهشت امسال در یکی از برنامه‌های خبری صدا و سیما قول داده بود آپارتمان‌های پروژه هسا یک را تا پایان خرداد ماه و به همراه پرداخت جریمه دیرکرد به کارگران تحویل دهد، وعده‌ای که تا به امروز عملی نشده است.

در پنجمین روز اعتصاب انجام شد :

احضار ۸ کارگر کاشی گیلانا به پلیس امنیت

در پنجمین روز از آغاز اعتصاب کارگران کاشی گیلانا در اعتراض به عدم پرداخت ۱۶ ماه حقوق بین سالهای ۸۸ تا ۹۳، هشت کارگر توسط پلیس امنیت احضار شده‌اند و اکنون در حال طی مراحل اولیه بازجویی قرار دارند. هفت نفر از کارگران معترض کارخانه کاشی گیلانا عصر امروز (۳۰ شهریور) به پلیس امنیت رودبار احضار شدند. بعد از ظهر امروز نیز علیرضا یحیایی یکی دیگر از کارگران این کارخانه که برای مذاکره با دادستان رودبار به این نهاد قضایی مراجعه کرده بود توسط ماموران انتظامی به پلیس امنیت رودبار منتقل شده بود.

آقایان علیرضایحیایی، مهدی کشاورز، موسی محسنی، اسماعیل جمشیدی، غلامعلی چگینی، جهان سلیمی و جواد عزیزخانی و خانم طاهره فتحی کارگران احضار شده به پلیس امنیت هستند.پیش از این، در دومین روز از آغاز اعتصاب، یکی از نمایندگان کارگران به ایلنا گفته بود که «کارفرما از ۱۰ نفر از آنان به جرم ایجاد اغتشاش به مراجع قضایی شکایت کرده است و قرار است این کارگران به دادگاه احضار شوند

کارگر پالایشگاه آبادان دلایل اخراجش را تشریح کرد:

تذکر یک کارگر اخراجی به وزیر کار درباره

قراردادهای سفید امضا

خبرگزاری ایلنا : یکی از کارگران بخش شستشوی کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان که به دلیل مقاومت در برابر امضای قرارداد سفید امضا و امتناع از امضای برگه تسویه حساب پیش از انعقاد قرارداد، از کار اخراج شده است؛ از انتظار پنج ماهه‌اش برای صدور رای اداره کار مناطق آزاد خبر داد. «مهدی آل بویه» که با وجود مستمر بودن ماهیت کارش، قراردادش در اسفندماه سال ۹۲ تمدید نشده است در تشریح دلایل اخراجش به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری «نقشینه فردوس» به عنوان یکی از پیمانکاران بخش مرکزی پالایشگاه آبادان اواخر سال گذشته (۹۲) برای تمدید قرار داد ۱۵۰ کارگر در سال جدید اقدام کرد اما از کارگران خواست برگه تسویه حساب خاتمه قرارداد را قبل از عقد قرار داد امضاء کنند. پیمانکار با تهدید به اخراج، همه کارگران را وادار کرد برگه‌های تسویه حساب پایان سالشان را قبل از آغاز کار سال جدید امضاء کنند در این بین چون من از خواسته کارفرما تمکین نکردم اخراج شدم. کارفرما با این عمل خود به نوعی قصد داشت مطالبات معوقه سنوات گذشته کارگران را از بین ببرد. همچنین زمانی که کارگری بخواهد احیاء حقوق صنفی کند با این ابزاری که از کارگران در دست دارد به راحتی بتواند با اخراج کارگر موضوع را فیصله دهد. مهدی آل بویه در خصوص مطالبات معوقه خود و همکارانش گفت: مطالبات کارگران مربوط می‌شود به سنوات پایان خدمت سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲، حق شب کاری،

روز کاری و تعطیل کاری‌ها، حق ایاب ذهاب و غذا، عدم کسر مزایای حقوق در پرداخت بیمه تامین اجتماعی، عدم پرداخت حق پنجشنبه کاری‌ها (در مناطق آزاد روز پنجشنبه تعطیل است و باید اضافه کاری محسوب شود) و... که هیچکدام پرداخت نشده است. او گفت: با این وجود آنکه از تاریخ ۶ فروردین ماه برای پیگیری موضوع اخراج به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی اروند شکایت کردم اما با گذشت پنج ماه هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده است. به گفته این کارگر اخراجی، مقررات کار مناطق آزاد بطور یک جانبه به سود کارفرماست و دست او را برای اخراج کارگر بطور کامل باز گذاشته است. این کارگر به پیگیری حقوق صنفی خود از جانب اداره کار مناطق آزاد انتقاد کرد و گفت: روز سه شنبه (۲۱ مرداد ماه) که برای پیگیری پرونده‌ام به اداره کار رفته بودم وقتی متوجه شدم هنوز رای این اداره درباره پرونده اخراج صادر نشده است دچار تشنج شدم و بی‌هوش به زمین افتادم که این اتفاق باعث شکسته شدن دو انگشت میانی دست راستم شد. این کارگر ۳۲ ساله که پیش از این در آستانه ازدواج قرار داشت، درباره تبعات اخراج بر روی زندگی خانوادگی‌اش گفت: بعد از آنکه شغلم را از دست دادم و با گذشت چند ماه از بیکاری، زندگی خانوادگی‌ام که در حال شکل‌گیری بود از بین رفت. این کارگر با اشاره به بی‌نتیجه ماندن نامه‌نگاری‌های متعددی که با مسئولان استانی درباره اخراج غیر قانونی‌اش داشته است، خطاب به وزیر کار گفت: شما مسئولیت وزارتخانه‌ای را دارید که باید بر قراردادهای کاری نظارت کند. قانون این مسئولیت را به عهده شما گذاشته تا شما نگذارید کارگران به دلیل ترس‌شان از اخراج به هر شرایط ناعادلانه و ظالمانه‌ای تن بدهند. این حداقل کاری است که شما می‌توانید برای کارگران انجام دهید.

بحران آب

پس از واردات چوب بستنی و کش شلوار و دسته بیل و پوست خربزه از کشورهای حاشیه خلیج فارس چشمان به واردات آب هم روشن خواهد شد. کمبود آب در سراسر کشور به یکی از مشکلات کنونی برای مردم بدل شده است. خشکسالی‌های پیاپی در یک دهه اخیر، در کنار گرمایش زمین، به بحران جدی آب در میهن ما منجر شده است. به این عامل‌ها باید سیاست‌های نابخردانه را نیز افزود. هیچ‌گونه برنامه‌ای برای حل معضل آب در ایران، در طول سه دهه اخیر، تدوین نشده است. نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی، تنها برای سودجویی دست به احداث سدهای متعدد در چهارگوشه کشور زدند که همگی بدون مطالعه و کارِ کارشناسی علمی بود و حاصلِ احداث آن‌ها فاجعه‌یی است که دریاچه‌ها، تالاب‌ها و برخی رودهای مهم و حیاتی کشور مانند رود کارون و زاینده‌رود و دریاچه ارومیه با آن مواجه‌اند. اینک مشکل آب بحرانی شده است و سرنوشت مردم و امنیت ملی را با چالش‌هایی بسیار نگران‌کننده روبرو ساخته است. در برابر این نگرانی‌های مردم در خصوص بحران آب، مجلس به روش واردات آب در برابر فروش گاز به بهایی ارزان توسل جسته است. روزنامه اعتماد در اوایل تیرماه در گزارشی با عنوان: «بحران بی‌صدا»، از جمله نوشت: «در چند روز گذشته ۶۰ نفر از نمایندگان مجلس طرح تأمین آب کشاورزی و شرب فلات مرکزی شرق و جنوب شرق ایران را تهیه کرده‌اند که در هیأت‌رییسه مجلس اعلام وصول شده است... به این ترتیب به دولت اجازه داده می‌شود در جهت تأمین آب... با استفاده از توان و مزیت‌های بخش غیردولتی با توجه به ماده ۱۴۲ قانون برنامه پنجم نسبت به انتقال آب از سایر کشورها

[یعنی وارد کردن آب از خارج] به داخل اقدام نماید. برای تأمین اعتبار اولیه این طرح به دولت اجازه داده می‌شود از مجوزهای جابه‌جایی در فصل منابع آب مجوز فاینانس خارجی مجوز تأمین و طرح‌های غیردولتی توسط دولت استفاده کند. به این ترتیب دولت با حمایت مجلس می‌تواند به خرید آب [با فروش گاز ارزان] از کشورهای همسایه اقدام کند».

تنها انگیزه تدوین‌کنندگان این طرح، تأمین منافع شرکت‌های خصوصی واردات و صادرات داخلی و خارجی است، برخی آقازاده‌ها و شرکت‌های خصوصی انگلی در پشت این طرح قرار دارند تا بازهم به غارت مردم زحمتکش بپردازند. این طرح در حالی به مجلس برده می‌شود که شرکت‌هایی برای خرید از کشور بیابان خیز دوبی اعلام آمادگی کرده اند. کشور امارات که در بی‌آبی شدید قرار دارد قرار است از کجا آب تهیه کرده و به سرمایه‌داران ایرانی که تنها هنرشان به باد دادن ثروت کشورمان است، بفروشند. طنز تلخ آنجاست که سالهاست امارات و کویت از ایران آب می‌خریدند. با بهره‌گیری از دانش روز، فن‌آوری مدرن، و همکاری به‌طور متقابل سودمند با دیگر کشورها، از جمله استفاده از آب رود هیرمند که از افغانستان به ایران می‌ریزد و با استفاده از توان و امکان‌های داخلی، از جمله برداشتن سدهای غیر ضرور می‌توان مسئله آب را حل کرد. ضروری است که با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و بهره‌گیری از فن‌آوری نوین، و آموزش مداوم مردم، در چارچوب طرحی ملی، بحران آب را به سود منافع و امنیت ملی و سرنوشت میهن مان ایران به‌طور پایدار و مطمئن حل کرد!

نادیا پیروز

مرگ یک کارگر بر اثر ضرب و شتم ماموران منتسب به شهرداری تهران

کارگری که بر اثر ضرب و شتم توسط ماموران گشت سد معبر منسوب به ناحیه ۴ منطقه ۴ شهرداری تهران به مدت یک هفته در بیمارستان بستری شده بود، سرانجام روز پنجشنبه ۲۳ مردادماه در بیمارستان نورافشار تهران جان باخت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، خانواده «علی چراغی»، کارگر ۴۱ ساله‌ای که صاحب چهار فرزند است درباره اتفاقات منجر به فوت او به خبرنگار ایلنا گفته‌اند که او روز ۱۶ مرداد به همراه پسر ۱۴ ساله به خیابان تهران‌پارس رفته بود که در ساعت ۱۰ صبح حوالی اتوبان باقری نبش خیابان ۱۹۶ غربی با ماموران شهرداری درگیر می‌شود.

ابوالفضل چراغی، پسر ۱۴ ساله علی چراغی درباره روز حادثه می‌گوید من و پدرم سوار بر وانت کنار خیابان در حال حرکت بودیم که ناگهان یک وانت سدمعبر ناحیه چهار منطقه ۴ مقابل ماشین ما پیچید و راه را بست. چهار ماموری که از اتومبیل پیاده شدند از پدرم خواستند که پیاده شود. من به در خواست پدرم در وانت ماندم و از داخل مکالمه آن‌ها را می‌شنیدم. یک مامور به پدرم گفت که وانت توقیف است. پدرم اصرار داشت که شما حق توقیف ماشین را ندارید و باید با پلیس ۱۱۰ تماس بگیریم. پدرم شروع به تماس با پلیس کرد که در این هنگام چند مامور همزمان با پدرم درگیر شدند و یکی از آنان از پشت دستهای پدرم را گرفت و سایرین مشغول ضرب و شتم او شدند. هنگامی که من مشغول پیاده شدن از ماشین بودم دیدم که یکی از ماموران با «پنجه بکس» به

سمت چپ سر پدرم ضربه‌ای وارد کرد و پدرم به زمین افتاد. من قصد نزدیک شدن به پدرم را که بی‌هوش روی زمین افتاده بود را داشتم اما ماموران به گمان اینکه پدرم تمارض می‌کند ضربه‌ای به من زدند و اجازه نزدیک شدن به پدرم را ندادند اما بعد از دخالت کسبه محل، هر چهار مامور سوار بر وانت از صحنه گریختند.

« وقتی مامورین با توجه به جو ایجاد شده در جامعه توسط نظام حاکم، خود را قادر به هرکاری می‌بینند و شهرداری به همراه قوه قضاییه از مامورین خاطی حمایت می‌کنند همه زحمتکشان و مردم ایران در معرض تعرض و خشونت مامورین دولتی قرار می‌گیرند و این نمونه کوچکی از این بی‌قانونی هاست»
پیام سندیکا



Photo:Houshang.hadi

Iranian Labour News Agency

جای حقوق چماق نشان دادند!

تهیه عکس و گزارش:
کارگر فلزکار



اتحادیه اروپا اینک برای
وادار ساختن سرمایه
داران به پرداخت مالیات
های غیر مستقیم در
استاندارد های ایزو 26000
خود رویکرد های انسانی
کارخانجات و شرکت ها را
موردبازنگری قرار می دهد
تا بین دومحصول رقیب با

قیمت های مشابه محصولات بهتر بفروش
برسند و با اقبال روبرو گردند که شرکت
مادرشان امور خیریه و رفاهی برای پرسنل
ومردم عادی جوامع را هم در پروسه
مدیریتی خود - هم راستای ثروت اندوزی شان
مد نظر قرار دهند.

در این میان کارخانه شهداب ارومیه با
ظرفیت تولید اسمی روزانه 20 تن (سالانه
بیش از 7000 تن) تولید انواع کنسانتره و
آب میوه با ظرفیت عملی 5000 تن صادرات
سالانه یکی از ارز آورترین شرکت های این

شاخه از صنایع تبدیلی در منطقه و در بین رقبا به شمار می رود.

کیفیت بالای محصول در حد صادرات و کمیت تولید نشان از وفاداری و از جان گذشتگی کارگرانی دارد که شبانه روز در محیطی با خطر سقوط از ارتفاع، تنش صوتی و دمایی بالا و شرایط دشوار دست و پدجه نرم می کنند و خم به ابرو نمی آورند تا نان آبرومندانۀ ای برای خانواده فراهم کنند اما اینک با گذشت هفت سال از آخرین پرداخت کارخانه کارد به استخوانشان رسیده...

کارگری با استرس فراوان خود را به گزارشگر فلز کار رسانده، با این نماینده کارگران شهداب ارومیه گفتگویی داشتیم:

فلزکار: هفت ماه بدون حقوق؟! چگونه؟

کارگر شهداب: مسئولین کارخانه اوایل با وعده تو خالی زمان خریدند، می گفتند فعلا نگذارید کار بخواهد ما برایتان جبران میکنیم ماهم فریب خوردیم اگر پرداختی هم بود برای خبرچینها و نورچشمی هابود! کم کم دیدیم خبری از پرداخت نیست و سرو کله چماقدارها پیدا شد، البته بی کاری حاکم بر جامعه و ترس از پیدا نشدن کار، نا آگاهی های کارگران از حقوق قانونیشان، تورم بالای اقتصادی و نبود اتحاد بین کارگران، وقتگیری بروکراسی اداری در دستگاههای دولتی همانند اداره کار و دادگستری، ترس از نفوذ کارفرما در بین روحانیت، رده های بالای دولت، نیروهای انتظامی و قضایی برای سرکوبی هر اعتراضی ما را فلج کرده است.

به جای پرداخت حقوق 7 ماهه چماق دار نشانمان می دهند!

در خانوارهای پنج نفری هر 15 روز یک مرغ خورده می شود!

در این

لباسی... عروسی همسایگان هم مال زن و بچه مان است البته اگر بتوانیم
برایشان تهیه کنیم... چون لباس آبرومندی نداریم خودمان نمی رویم!

فلزکار: خورد و خوراکتان؟

کارگر شهاداب: ما زیر خط فقریم ... فقط به کمک یارانه اندکی گذران می
کنیم... کم می خوریم و گرد می خوابیم... در خانوار های 5-6 نفری هر
15 روز یک مرغ خورده می شود...

(قابل توجه دست اندرکاران برنامه جشن رمضان!)

کارگر فلز کار: درباره سابقه کارخانه بر ایمان بگویید؟

کارگر شهاداب: این کارخانه تا سال 1386 با 160 نفر پرسنل زیر نظر
بانک کشاورزی بانک صادرات به شیوه دولتی اداره می شد و به نسبت
بسیار از کارخانه های مشابه کارکرد بهتری در نحوه پرداخت حقوق و
مزایای کارگران داشت. از زمانی که سهام بانک صادرات به بخش
خصوصی واگذار شد کارگران به درد سر افتادند دست مزد ها کم شد عده
ای را باز نشست و باز خرید کردند، تعدیل نیرو شدیم تا به 50 نفر کنونی
رسیدیم، که بیشترشان را خود مدیران جدید قراردادی به کار گرفته اند، تا
آن زمان یعنی سال 86 عیدانه، پاداش، ایاب و ذهاب، اضافه کاری همه به
موقع و درست پرداخت می شد اما بعد از آن... از شما می پرسم یک
کارگر در سن بالای 50 سال که عمر و جوانیش را در این کارخانه
گذرانده حالا باید کجا دنبال کار بگردد؟

کارگرفلزکار: بازرسی کل کشور و اداره رسیدگی به تخلفات اداری به شما کمکی نمی کردند؟

کارگر شهادت: هم اینک اداره کار و خانه کارگر به خوبی در جریان مشکلات ما هستند، در خانه کارگر جمع شدیم قطع نامه نوشتیم و امضا کردیم که حقوقمان را میخواهیم... دعوتمان کردند 16 شهریور با آقای قاضی پور نماینده ارومیه نشستی داشتیم که ایشان را در جریان امر قرار دادیم و ایشان وعده داده اند حق ما را بگیرند.

در گذشته اما تعدادی از کارگران به دلیل مراجعه به دادسرا و شکایت از کار فرما چندین ماه از کار معلق شدند و با رای دادسرا و اداره کار، کارفرما ناگزیر شد ایشان را به کار بازفرما خوانی کند بسیاری از ما در این مدت متحمل صدمه مالی شدید گشته ایم برخی پول نزول کرده اند با بهره های کلان برای یک میلیون تومان هفتصد هزار تومان باید بهره بدهیم برخی هم که ملک و املاک خود یا ارث پدری شان را فروخته اند، اجاره نشینها که بیچاره شدند، برخی از فرزندان یا برادر و خواهر یا همسرشان که سر کار می روند قرض می گیرند برخی هم با مسافر کشی و شغل دوم و سوم خرجشان را در می آورند...

کارگرفلز کار: اسامی روسای کنونی کارخانه؟

کارگر شهادت: مدیر عامل مهندس محمد افشار، در رده بالاتر رئیس هیات مدیره حاج یوسف افشار، مدیر بازرگانی احمد افشار و قائم مقام مهدی افشار هستند.

کارگرفلزکار: ساعت کاری؟

کارگر شهادت: از 7/5 صبح تا 3/5 با اضافه کاری تا 19/5 کار می کنیم. شیفت شب هم از ساعت 19/5 تا 7/5 صبح برقرار است.

کارگرفلزکار: وضعیت بیمه ها یتان؟

کارگر شهداب: حق بیمه ها را با تاخیر و خواهش و تمنا و اگر و شاید به حساب میریزند...

کارگر فلزکار: میزان شناخت شما از کارکرد سندیکای های کار گری؟
کارگر شهداب: هیچ ... آن قدر در کلاف زندگی خودمان پیچیده شدیم که از دنیایی خبریم...

کارگر فلزکار: اگر شما هم اینک کارفرمای شهداب شوید چه می کنید؟
کارگر شهداب : کل مطالبات کارگران کارخانه از 7 ماه پیش تا کنون 500 میلیون تومان بیشتر نیست ، در حالی که کارکرد ارزی کارخانه در سال چندین برابر این رقم را شامل می گردد .صادرات انواع کنسانتره به کشور هایی همانند کانادا ، امریکا و ژاپن اگر صرفه نداشته باشد که نمی شود!بدیهی است که ابتدا حساب کارگران را تسویه می کردیم.

کارگر فلزکار: چه راه کاری برای رسیدن به حقوق خودتان از طریق رسانه ها پیشنهاد می کنید؟

کارگر شهداب: از تمام اتحادیه ها و سندیکا های کارگری خواهش می کنیم به یاری ما برخیزند، از کشور های هدف و خریداران داخلی و خارجی محصولات شرکت می خواهیم تا هنگامی که حقوق کارگران این کارخانه پرداخت نشود محصولات کارخانه را تحریم کنند و نخرند مگر آنکه با اثبات و تایید پرداخت حقوق کارگران از سوی مجامع کارگری همراه و رسانه های ایشان اعلام کنیم که ما به حقمان رسیده ایم.

کارگر فلز کار: یاد آوری می کنم شهدایی ها یکبار هم درگذشته به خانه کارگر مراجعه کرده اند مسئول خانه کارگر اخبار شان را به ایلنا منعکس می کند اما پس از آن کار فرما دسیسه کثیفی برای پیشگامان این حرکت طراحی می کند برگه ای را با مضمون "شکایت علیه نشر اکاذیب نمایندگان دروغین کارگران شهداب "تنظیم می کند و بجای رسید دریافت حقوق آنرا جلوی کارگران بی سواد و از همه جا بی خبر میگذارند تا با اثر

انگشت و امضا به خیال خودشان رسید حقوق بدهند در حالی که شکایت نامه ضد نمایندگان خودشان را انگشت زده اند این امر سبب درد سر برای «اسلام صادقی» مسئول خانه کارگر ارومیه می‌گردد که بانی نقل خبر برای ایلنا بوده است. در نشریه داخلی خانه کارگر هم این موضوع انعکاس بزرگی داشته است و تکذیبیه کارگران و شکایت ایشان از نمایندگانشان موضوع شکایت کارفرما رابه عنوان عوامفریبی از سوی خانه کارگر و با نتیجه عکس مفروض نموده اند. بنابراین کارفرما از مسئولین خانه کارگر و ایلنا شکایت می کند تا برای خودش آبرو بخرد و امروز کارگران می ترسند از این همه حيله گری و نیرنگ بازی کارفرما و حق دارند چون نان و جانشان باهم تهدید می شود.

کارگر فلزکار گزارش می دهد:

پس از اعتراضات بسیار کارگران شهداب ارومیه و پس از هفت ماه کار بدون مزد امروز کارفرما آقای مهندس محمد افشار لطف فرموده نصف مبلغ یک ماه دستمزد را به کارگران پرداخت نموده است . کارگران شهداب ارومیه هنوز هم شش ماه و نیم حقوق طلبکارند. آیا محمدافشار خود نیز می تواند شش ماه بدون حقوق سر کند؟ هرچند کارگران شداب را بارها و بارها تهدید کرده اند و برایشان چماقدار آورده اند اما اعتراضات کارگران شهداب همچنان ادامه دارد.....

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393/6/20

امروز در نشست فعالان سندیکا‌های کارگری انگلستان که برای برنامه ریزی فعالیت هایشان در خاتمه کنگره سالانه اتحادیه های کارگری انگلستان در دو هفته پیش جمع شده بودند، نسخه های چاپی پیام سندیکای به زبان انگلیسی (مسنجر) شماره های 1 و 2 و 3 پخش شد. مسنجر های 1 و 2 و 3 در چاپ رنگی نفیس تکثیر شده بود و در اجتماعات نیروهای کارگری و سندیکایی به نمایش گذاشته شد. در ضمن دیروز اتحادیه معلم های انگلستان نسخه ای از نامه اعتراضی خود به روحانی را که مثل گذشته کپی آن به رهبر و ارگان های رسمی کشور رفته را برای انجمن دفاع از مردم و سندیکا‌های کارگری (کودیر) فرستادند. نامه به امضای خانم کریستین بلوور، دبیرکل این سندیکا می باشد

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک 1393/6/30

کارگر فلزکار از ایران خودرو گزارش می دهد:

پس از تعطیلات تابستانی در ایران خودرو ، در سالن ال 90 تولید کاهش پیدا کرده و از طرف مدیریت هم اعلام شده که چون در تحریم هستیم و قطعات نمی آید تولید ال 90 کم شده ، که نمی تواند درست باشد.

همچنین از طرف مدیریت ایران خودرو اعلام شده که مبلغ 600 هزار تومان به هر کارگر پاداشی به نام رکورد داده خواهد شد. که این پاداش هر ششماه یک بار داده شود. البته به سرپرستان و مدیران مبلغ بسیار بالاتر از این مبلغ داده خواهد شد، چون 600 هزار تومان فقط به کارگران داده خواهد شد. در سالنهای تولید کارگران می پرسند که چرا 600 هزار تومان و چرا 700 هزار تومان نه ؟ با چه فرمولی به چنین مبلغ پولی رسیده اند و به کارگران داده می شود.

کارگر فلزکار از کارخانه فولاد زاگرس گزارش می دهد:

پس از دو سال تلاش کارگران فولاد زاگرس قروه تمامی کارگران این کارخانه به بیمه بیکاری فرستاده شدند و تنها کارخانه صنعتی و مادر در این استان تعطیل شد. کارخانه ای که توسط بخش خصوصی اداره می شد و ظرفیت پذیرش بیش از 500 کارگر را داشت امروز به انبار متروکه ای تبدیل شده است. میلیاردها وامی که برای این کارخانه پرداخت شده بود به همت سرمایه داری مالی و بانکها محل بازی موشها و گربه ها شده است. تعطیلی این کارخانه بار دیگر نشان داد اعتصاب کارگران بافق برای مخالفت با خصوصی سازی درست و به جا بوده است. استاندار و مسئولین ذیربط به کارگران گفته اند که شما ارتباط کاریتان با کارخانه قطع نشده است و امیدوار باشید که اگر روزی کارخانه بازگشایی شد شما در الویت برای بازگشت به کار هستید. هرچند قبلا کارگران به مسئولین و وزارت کار گفته بودند که باهمکاری کارگران و با تغییر خط تولید به تولید آلیاژهای منگنز بخصوص فرومنگنزمی توان هم سوددهی کارخانه را تضمین کرد و هم با این تغییر تعداد کارگران کارخانه را دو برابر کرد. اما بخش خصوصی دلال از نابودی کارخانه ها و خانواده های کارگری سود بیشتری را بدست خواهد آورد.



اعطای معتبرترین جایزه جهانی ریاضی به مریم میرزاخانی

مریم میرزاخانی، استاد ایرانی دانشگاه استنفورد آمریکا، برنده مدال فیلدز شد. مدال فیلدز که نوبل ریاضیات خوانده می‌شود، معتبرین جایزه جهانی ریاضی است. مریم میرزاخانی اولین زنی است که این جایزه را متعلق به خود کرده است. این نخبه جوان ریاضی از بازماندگان سانحه غمبار سقوط اتوبوس حامل نخبگان ریاضی دانشگاه صنعتی شریف به دره در اسفندماه 76 است. در این حادثه اتوبوس حامل دانشجویان ریاضی شرکت‌کننده در بیست و دومین دوره مسابقات ریاضی دانشجویی که از اهواز راهی تهران بود به دره سقوط کرد و طی آن شش تن از دانشجویان نخبه ریاضی دانشگاه صنعتی شریف که اغلب از برگزیدگان المپیادهای ملی و بین‌المللی ریاضی بودند در اوج بالندگی و شکوفایی علمی ناباورانه، جان باختند، اما آواز این حادثه جان سالم به در برد که برای کشورمان افتخار بیافریند.

چگونه فرامین صندوق بین المللی پول در کشورمان اجرا می شود!

سید حسن هفده‌تن، معاون روابط کارِ ربیعی، در گفتگو با خبرگزاری مهر، ۱۸ خردادماه، گفت: “در سال گذشته ۹۰ درصد کل قراردادهای کار در کشور موقت بوده است.” بعداز این اظهار نظر وزیر کار، به خبرگزاری مهر، گفت: “در بازرسی‌های کارتجیدینظر و برخی از بازرسی‌ها را برون سپاری کردیم”، و سپس مجلس به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای “انعقاد قرارداد کار معین [قرارداد موقت]” با ۳۵۰۰ بازرس شاغل در حوزه نظارت بر بازار موافقت کرد. یعنی، وزیران دولت “تدبیر و امید”، با همکاری مجلس شغل کارمندان و کارگران را از رسمی به “موقت” تبدیل می‌کنند. نتیجه این می‌شود که یکی از اعضای شورای اسلامی کار سازمان بهشت زهرا، روز ۱ تیرماه، از احتمال تعدیل ۱۵۰ نفر از کارگران شاغل در این سازمان خبر داد و مدیر منابع انسانی سازمان بهشت زهرا، محمدرضا راستین منش، گفت: “در این سازمان استخدام رسمی مدتی قبل متوقف و نیروهای سازمان در حال انتقال به شرکت‌های پیمانی هستند.” «صندوق بین المللی پول سالهاست به دولت‌ها توصیه کرده بهترین راه مقابله با مبارزات کارگران به خطر انداختن امنیت شغلی کارگران است که نمونه اش را می بینید. آقای روحانی، در سخنرانیهای انتخاباتی روز ۱۹ خردادماه، با تاکید بر نرخ تورم ۴۰ درصد و افزایش حقوق ۲۵ درصد کارگران، اعلام کرد: “در صورت انتخاب به سمت ریاست جمهوری، دستمزد کارگران را طبق قانون به اندازه تورم افزایش خواهم داد”، روز ۲۲ مرداد ماه پیش از انتخاب شدن به سمت ریاست جمهوری، دوباره اعلام کرد: “ماده ۴۱ قانون کار

صراحت دارد حداقل مزد کارگران بایستی بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تعیین شود و بگونه‌ای باشد که معاش یک خانوار ۴ نفره کارگری را تأمین کند.“ اما چگونه شد که همه این وعده‌ها پس از ششماه به فراموشی سپرده شد؟ آیا جزاین است که صندوق بین المللی پول اجازه افزایش حقوق را نداده است؟ کارگران به افزایش ناچیز دستمزدها به دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل ۹۰ شکایت کردند. خبرگزاری مهر، ۲۹ خردادماه، گزارش داد که آقای منتظری اعلام کرد: “شکایت کارگران در کمیسیون اصل ۹۰ علیه دیوان عدالت بجایی نمی‌رسد و آن‌ها شکایت ما را به خدایکنند، شاید در آنجا به نتیجه برسد.“ گفته منتظری که کارگران “شکایت ما را به خدایکنند”، نشان دهنده نهایت زورگویی مسئولان به طبقه کارگر و همگامی و همراهی با صندوق بین المللی پول است.

رضا کارشناسان

نگرش فرهنگی نیروی کار

ناصر آقا جری

زمانی که به باورهای پُربار گذشته‌ی سرزمین مادریمان باز می‌گردیم ، متوجه می‌شویم که نگرش‌هایی در حدود ده قرن پیش در جامعه مطرح شده ، که امروز بخشی از آرمان‌های دست نیافتنی جوانان ماست . سری به شاهنامه می‌زنیم کتابی در توصیف نبرد دادخواهانه خلق‌های مبارز ایران زمین ، که هنرمندان به اصطلاح غیر جانبدار (خود واگذار کرده به نگرش‌های امپریالیستی) به خاطر نام کتاب ، نه خوانده ، بررسی نکرده تنها براساس شنیده‌ها آنرا نفی می‌کنند. در داستان رستم و اسفندیار ،

نبرد، نبرد دو پهلوان نیست، بلکه نبرد روئین تنی است از یک باور مذهبی
تمامیت خواه ، مذهبی مطلقه ای که جز خودی هایش ، دیگر مردمان را
تنها برای کشتن و برده کردن می خواهند . و از سوی دیگر، آزاده ای است
که حاضر نیست تن به تسلیم و اطاعت بدهد ، زمانی که بدون شناخت و
از روی اجبار باشد. در زندگی کیخسرو شاهد فرمان هایی هستیم که بهترین
الگو برای حقوق بشر واقعی است. ارزش هایی فراتر از امروز ما ، زمانی
که به فرماندهانش برای ورود به شهر شکست خورده دستور می دهد به
انسان بی صلاح حق تعرض ندارید، فرد مصلح در حال فرار را تعقیب نکنید
زخمی ها را نکشید ، و وارد هیچ خانه ای نشوید به زنان و کودکان تعرض
نکنید. در منطق الطیر عطار، می بینیم این اندیشمند بزرگ ، جهان بینی
مادی – انسانی را مطرح می کند که تنها با یاری جمعی همه ی مردم نه
فقط نخبگان اجتماعی ، می توان به آن ارزش رسید. و برای اولین بار در
طول تاریخ جهان ، مفهوم کلی از خود بیگانگی انسان را که ناشی از
باورهای خرافی و واپس گراست به نقد می کشد . در آثار مولوی ، شاهد
توانایی تکنیکی و زیبایی مثنوی او می شویم که با طنزی ژرف ارزش
های واپس گرا را به چالش می گیرد و با زبان تمثیل و اشاره دگر اندیشی
پویایی را ، پیش روی خواننده می گشاید . حافظ ، رازی ، بیرونی ، خیام
و خوارزمی و ... و دنیایی دانش و خرد عرضه کرده اند که جوانان
امروز ما با آن بیگانه اند. به راستی چرا ما امروز از ده قرن پیش سرزمین
مان عقب تریم؟! چرا ارزش هایی که آن اندیشمندان در یک هزار سال
پیش مطرح کرده اند برای امروز ما یک آرزو و یک ایدآل غیر قابل
دسترس است؟! آیا ما رشد منفی داشته ایم؟ یا هنوز گرفتار یاسای
عشیره ای دوران پارینه سنگی هستیم باور هایی که برای دیگر انسان ها

تنها حقی که قائل است مرگ یا بردگی است . این بار به گوشه هایی از نوع نگرش عبید زاکانی می پردازیم .

عبید زاکانی از نگاه کارگران

عبید زاکانی اندیشمندی ژرف اندیش ، که باور و جهان بینی های مسلط زمانه اش را با ریش خندی تلخ و با واژه هایی دریده و بی پرده ، به چالش گرفت . او از وحشت زنده زنده پوست کنده شدن و بر دار شدن ، توسط واپس گرایان خرافه پرست، نقد اجتماعی یش رادردستان مبارزه ی موش و گربه گنجانید . تا فریاد آزادی خواهی و ضد ستم و استثمارش ، امروز به ما برسد . مشت آهنین ولی فرهنگی بر ضد حاکمیت های مستبد که در سایه ی خرافه پرستی ایستاده اند، تا به دین وسیله مردم راتا سرحد مرگ استثمار کنند و آنها را به تدریج با فقر و گرسنگی به قتل برساند . گربه ی عبید سمبل این تیپ اجتماعی است . زیرا گربه قربانی اسیر شده را با شکنجه از میان می برد. قربانی را رها می کند تا پای به فرار بگذارد و او را دوباره شکار می نماید، مردم محروم ازدانش و سوادآموزی و گرفتار آمده ، در تاروپود باورهای خرافی ، ستم دیده و تسلیم قضا و قدر را ، در تیپ موش جای داده است . تیپی که عاقبت به این باور می رسد که می باید برای رهایی از ستم برای پویایی زندگی ، باید مبارزه کرد . لذا به صورت دسته جمعی برنامه ریزی می کنند ، نقشه می کشند و گربه را به چالش می گیرند . ولی عاقبت به دام یک ترفند استثنایی گربه می افتند . ترفندی که امروز هم کارایی بسیار بالایی دارد و بر خاسته از جهل و عقب افتادگی فرهنگی جامعه است آن انسان با ایمانی که آلت دست ، دستان پنهان CIA می شود و خود را با کمربندهای انفجاری به میان مردمی می اندازد که آنها را نمی شناسد و به صورت کور، مردم بی خبر

و بی صلاح را قتل و عام می کند ، چنین موجودی دیگر انسان نیست ، او یک ربات سازمان داده شده ای است ، با شسته شوی مغزی . عبید زاکانی هوشمندانه مسخ و شسته شوی مغزی با خرافه را به زیبایی به نقد کشیده است . شاید به توان ادعا کرد یکی از اولین طنز پردازان سیاسی – اجتماعی فرهنگ پر بار ایرانی ، عبید زاکانی است . این انسان ژرف بین ، یک هزار سال پیش ، اگر امروز زنده بود هرگز باور نمی کرد ، حدود ده قرن پس از او داستان سراسر طنز و مبارزه ی موش و گربه ، بر واقعیت های جهان امروز این همه انطباق داشته باشد . طنزی تلخ با ژرفایی انسانی ، که قابل انطباق بر امروز دهکده ی جهانی نئولیبرال ها ، با گربه ی عابد سیاهش ، که کدخدای این دهکده است ، می باشد . کدخدایی که در ظاهر برای دموکراسی و حقوق بشر ولی در آن سوی چهره ی متبسمش برای نفت و بازار آزاد ، نسل کشی موش ها را در چند قاره شروع کرده است (گام هایی به سوی جنگ جهانی سوم) . گربه ی سیاه عابد ، یک روز سر از مساجد مالزی در می آورد ، روز دیگر در کلیساهای آمریکا دیده می شود ، فردای آن ، با پاپ رهبر کاتولیک ها نشست و برخاست می نماید ، از سوی دیگر دلایی لامای تبتی با اندیشه و باورهای پارینه سنگی را به عنوان رهبر مذهبی واپس گراترین باورهای دینی ، با توهماتی سراسر خرافی ، ناشی از نشئه گی روان گردان ها، مانند کتاب چشم سوم ، که در ایران هم مورد استقبال پیروان روان گردان های عقیدتی – شیمیایی قرارگرفت ، تایید می کند. گربه سیاه دهکده ی جهانی برای ثبات اقتدارش ، مانند گربه ی قصه ی عبید زاکانی تنها به سجاده و مهر تسبیح و عبادت اکتفا نمی کند ، او قشری ترین باورهای مذهبی را با سرازیر کردن دلار و اسلحه و کارشناس آموزشی ، به قدرت می رساند القاعده و طالبان را از میان موش های دگم بر علیه کمونیسم

های افغانستان بوجود آورد. داعش را با کمک ترکیه و عربستان و قطر بر ضد سوریه و عراق دیکتاتورهای شیعی و علوی سازمان می دهد . تا با نا امن کردن منطقه ی خاور میانه ، دیار طلای سیاه ، از آب گل آلود ماهی خودش را صید کند . از سوی دیگر در مناطق نفت خیز آفریقا گروه های دیگری از این باور را به جان مردم آفریقا انداخته است همه ی این تلاش ها برای منافع ملی گربه سیاه است که منافعش به زعم خودش فرا مرزی است . در داستان عبید پس از اینکه موش ها با همه ی تلاش و رنجشان نتوانستند گربه را بطور قطع سر به نیست کنند . به حالتی شبیه به جنگ سرد تن در دادند . گربه همیشه در کمین موش ها بود ، و موش ها هشیار که غافل گیر نشوند . این شرایط نمی توانست گربه ی سیری ناپذیر را قانع کند . مانند سیاست های استعماری انگلیس و مناسبات امپریالیستی گربه های کاخ سفید . غارت دیگر ملت ها به نام استعمار و امروزه تعدیل ساختاری و خصوصی سازی و کشتار و نسل کشی دیگر اقوام به نام دموکراسی و حقوق بشر بخشی از اصول بنیادی باورهای گربه ها ، به خصوص گربه ی سیاه کاخ سفید می باشد . همان بعدی که زیر پوشش مذهب گرایی ، دموکراسی ، بازار آزاد و حقوق بشر پنهانش کرده اند ، و با این بهانه ها بزرگ ترین نسل کشی سرمایه داری ، مانند جنگ های جهانی اول و دوم و جنگ های منطقه ای چون کره و ویتنام و ... را کاربردی کرده اند . و امروز که سرمایه داری جهانی قادر به حل بحران های اقتصادی، تورم ، رکود و بیکاری نیست ، جهان را به سوی جنگ جهانی سوم می کشاند . در داستان عبید زاکانی موش ها و گربه به مرحله ای رسیدند که شرایط جنگ سرد را تداعی می کند . گربه ی عبید چون گربه ی سیاه کاخ سفید با اندیشه و برنامه ، خودش را برای کشتار موش ها آماده می کد . حالت جنگ ، موش ها را هشیار کرده بود و

دیگر غافل گیر نمی شدند . به دین جهت گربه دیگر نمی توانست به هدفش برسد . از این رو گربه به یک ترفند استثنای متوسل گردید . به جای جنگ و نشان دادن چنگ و دندان پرچم صلح را بالا برد . برنامه ای دقیق برای کشتار موش ها از این رو می باید اعتماد موش ها را به خود جلب کند ، و این کاری بود بسیار دشوار ، زیرا موش ها کشتار دوستانشان را به دست گربه ، با چشم خود دیده بودند . بهترین راه نفوذ ، نفوذ در باورها و اعتقادات موش ها بود . تنها راهی که می توانست موش ها را فریب دهد و به دام بیندازد . راهی پیچیده و در عین حال روان و ساده ، پرداختن به باورهای مذهبی . در زیر پرچم باورهای مردم مردم را به قربان گاه بردن . گربه از حالت تحاجم و کشتار علنی دست کشیدند مانند عقب نشینی و شکست دوران نسل کشی استعماری کشورهای اروپایی و امریکا ، و وارد مرحله ی امپریالیستی شدن ، که فرآیند قدرت گرفتن جبهه ی کار جهانی بود . گربه ی عبید راه را پیدا کرد و عابد شد . گربه های کاخ سفید هم پس از شیوه های آزمون و خطا ، راه گربه عبید را پیش گرفتند گربه های لیبرال کاخ سفید مانند گربه ی عبید زاکانی عابد شدند . لیبرال گربه های کاخ سفید و کاخ الیزه که برای پیروزی قطعی بورژوازی بر فئودالیسم دشمن مذهب و باورهای الهی بودند . به مذهبیون دو آتشه ای تبدیل شدند . و از آن به بعد هر خرافه پرست عقب مانده ای را با دلار و اسلحه حمایت می کردند . منافع حیاتی گربه های کاخ سفید در حفظ بازار خرید مواد خام به خصوص انرژی و فروش کالاهای صنعتی یشان است . لذا برای حفظ بازار باید جنگید ، و کشورهای عقب مانده را عقب تر راند تا بازار آنها یعنی شریان حیات شان محدود نگردد . بهترین راه رسیدن به این هدف دنباله روی از گربه ی عبید زاکانی است . راه گربه ی عبید ، روی کرد به مذهب خرافی و

دگم است . مذهبی که سیر تحولات اجتماعی را نمی فهمد و قادر به نرمش و انعطاف در مقابل پدیده های نو را ندارد . از این رو باید بی سوادى گسترش یابد تا خرافه و توهمات ناشی از جهل بر جهان عقب رانده شده سلطه یابد . راهکار آن نیز بسیار ساده است خصوصى سازی آموزش و پرورش ، که فراماسیونرهای نئولیبرال درحاکمیت ها، با جدیت آن را کاربردى می کنند . به هر حال گربه عبید زاکانى راه وارد شدن به دنیای موشها را برای جلب اعتماد آنها پیدا کرد . موشها با حیرت دیدند ، گربه ی مهاجم سردرگریان فرو برده و بر سجاده ی عبادت نشسته ، و دعا خواندن پیشه کرده و پیشانی بر مهر مى ساید و دستان التماس را بسوى آسمان مى گشاید. بدین گونه درنده خویی و توحش باورش را، زیر پوشش دین و باورهای آسمانی پنهان کرد. عبیدزاکانى این انسان با خرد و هوشمند، هوشیارانه گربه اش را بسوى مذهب موشها کشاند و موش ها که مسخ باورهای مذهبی بودند به دام گربه افتادند ، و پیروزی گربه قطعى شد . موشها با مشاهده این تغییرات به ظاهر بنیادی در زندگى گربه ، به او اعتماد کردند (بزرگ ترین اشتباه تاریخی ، که به قیمت قتل عام شان تمام شد. و اشتباه بزرگ چریکهای دیروز که امروز، سوسیال دموکرات شده اند) ولی گربه های کاخ سفید تنها به عابد شدن اکتفا نکردند آنها برخی از موشها را بادلار و طلا خریدند و آنها را با ماموریت ویژه ی تجزیه سرزمین موشها که به شکل یک گربه است ، به آن دیار فرستادند، و برخی را با نگرش های اقتصادى نئولیبرالیستی به عامل خود تبدیل کردند. با این شیوه اقتصادى- سیاسى ، فقر و گرسنگى اکثریت موشها را به چالش گرفت ، و تفرقه و پراکندگى را پى ریزی کرد، آرى روان گردان باورهای خرافى ، گربه ی عبید و گربه سیاه کاخ سفید را، به پیروزی رسانده و مى رساند . مگر این که باورهای مسخ کننده ی خود ساخته را، دور بریزند .

نکوداشت پنجاهمین سال ساخت جان پناه کارگر

بعد از ساخت پناهگاه اسپید کمر در سال 1325 توسط دکتر گل گلاب ،مهندس میرهادی ، کاظم گیلانیپور... و سپس ساخت پناهگاه شیرپلا در سال 1341 با همت کانون کوهنوردان تهران ،در سال 1343 جان پناه کارگر در قله توچال توسط یک گروه کوهنوردی کارگری، بنام گروه کوهنوردان فلزکار ساخته شد.این جانپناه از دو جهت از دیگر پناهگاه ها متمایز است:اول در ارتفاعی بالاتر از دیگر پناهگاههای ساخته شده تا آن زمان بنا گردیده ، دوم بدست یک گروه کوهنوردی کارگری بدون هیچگونه دریافت کمک های مالی از نهادهای دولتی و فقط با همت و کمک مالی کارگران ساخته شد.بردن سنگ، ماسه ، سیمان و مهمتر از همه آب به ارتفاع بیش از 3900 متری قله برای ساختجانپناه، قصه عشق و حماسه است.در ساخت جانپناه کارگر همت و پشتکار کارگران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و مشاوره های ارزنده محمدحسین خوان یغما که بنیان گذار گروه کوهنودان فلزکار در سال 1342 است، بی تاثیر نبود.هرچند که گروههای دیگر کوهنوردی و دانشجویی هم به این حماسه پیوستند اما نقش کارگران فلزکار مکانیک در بناکردن این پناهگاه حماسی است.

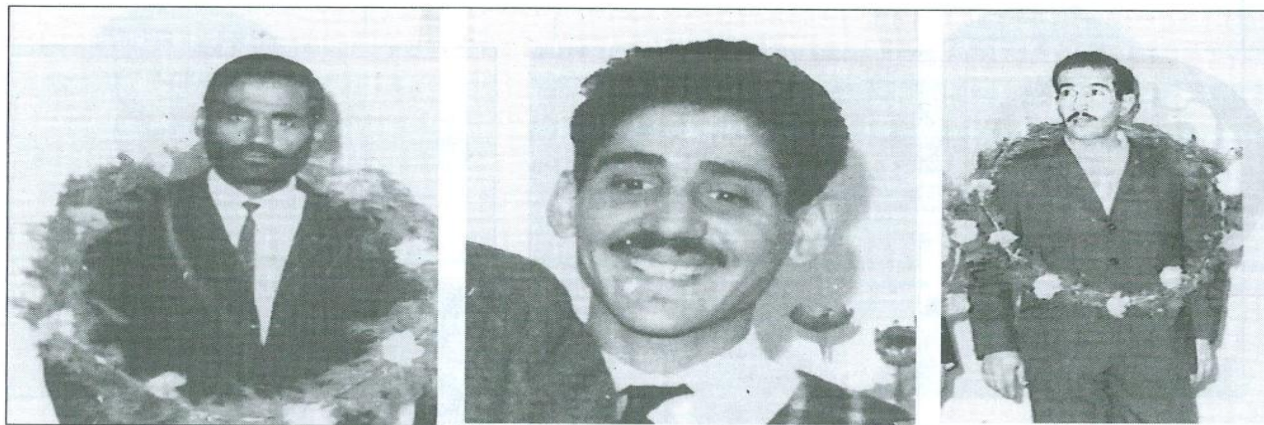
بی اغراق می توان گفت که گروه کوهنوردان فلزکار یکی از فنی ترین گروههای کوهنوردی اوایل دهه چهل بود و زبده ترین کوهنوردان در آن عضو بودند. اسکندر صادقی نژاد – ناصرگارسچی – جلیل انفرادی – محمد ولایتی – محمد حسین خوان یغما – آذر دوست – فرغانی – محسن عبدلی.... وهمچنین صعود از کلاhek دیواره بند یخچال ، کلاhek تنگ میگون ، سنگ و شکاف بند یخچال و دیواره علم کوه .این صعودها گروه

کوهنوردان فلزکار را آنچنان نامدار کرده بود که هنوز صعودهای آنان می تواند درسی برای گروههای کوهنوردی باشد. در جریان حادثه سقوط گروه کاوه در صعود از دیواره بند یخچال و کشته شدن شروین جزایری ، این گروه کوهنوردان فلزکار بود که توانست با درایت و سرعت از کشته شدن دیگر کوهنوردان گروه کاوه جلوگیری کند. در این عملیات نجات محمد ولایتی ، ناصر گارسچی ، و محمد خزایی شرکت داشتند.

روایت ساخت این جانپناه که بدون پشتوانه مالی و فقط از جیب های فقیرانه کارگران فلزکار مکانیک تامین می شد، روایتی است از عشق و حماسه و ایثار. شاید نوشته کوهنورد بزرگ گیلانپور در مجله کیهان ورزشی ، که به همت و شرف این کارگران درود فرستاده بود، نشان از ارزشی باشد که این پناهگاه و سازندگان آن ایجاد کرده بودند.

هرچه بود عشق بود و فداکاری و آرمان های والای کارگری و انسان دوستانه.

درعکس به یادگار مانده از ساخت این پناهگاه در سال 1343 این افراد شرکت داشتند: اسکندر صاقی نژاد کارگر میل لنگ تراش — رافائل داداش لو نماینده کارگران کارخانه ارج — احمد تاجیک کارگر تراشکار — محسن عبدلی کارگر فلزکار — ابوالقاسم گنجه ای نماینده کارگران کارخانه لیلاند موتور — ناصر گارسچی کارگر قالبساز — بهمن شهوندی از کانون کوهنوردان تهران — ناصر صدری کارگر تراشکار — محمد ولایتی کارگر کارخانه پارس آمریکا و مهدی یزدی کارگر فلزکار



قهرمانان و کوهنوردان گلگون کفن
از راست به چپ: ناصر گارسچی، اسکندر صادقی، جلیل انفرادی



یادمانی از مصیبتی و مشارکت - پس از یک برنامه کاری سه روزه -
زمان: تیرماه ۱۳۴۳ مکان: قله تویخال موضوع: ساخت جاذبه قله تویخال - پناهگاه کارگر -





مهدی یزدی و محمد ولایتی از سازندگان جان پناه کارگر در
همایش یادبود پنجاهمین سال ساخت جان پناه کارگر در قله
توچال

با ماهی ها در قله

باد موافق و خنکی ظهر شهریور در قله ی توچال می وزید .اگرچه نمیدانم چرا خوشحال نبودم و دل خوشی نداشتم .نفس در شماره و قله ای محکم ، ما را پذیرفته بود. کوه همیشه با اندوه هایی همراه است . تنهایی و یاد یاران گذشته...اما باد و هوای بلندای کوه های بهم پیوسته ی البرز ایران عزیز، چه سخاوت مندانه تمام سینه را از هوای خوش و لطیف اش پر و خالی می کرد و آفتاب و گاهی باد،گزنده و شوخی وار، سرک می کشید و نیش می زد.گروه های کوچکی در محدوده ی کوچک قله می لولیدند .مردانی از جنس سختی و کار به درون جان پناهی سنگی و ساده رفت و آمد می کردند.

در سفر های قبل، آن جان پناه سنگی را دیده بودم .تقریبا متروک بود و با وجود .کمپ فلزی ،کمتر کسی به آن کلبه سنگی می رفت.اما امروز قله حال و هوای دیگری داشت.مردانی از جنس کار و آهن و فلز به داخل جان پناه سنگی در رفت و آمد بودند .چندین زن و بیشتر مردهایی جدی و آرام و اما چند مرد بزرگسال که چون در قله ی چهار هزار متری بام شهر تهران ،توچال بودیم ،جرات نکردم بگویم، پیرمرد .اگر چه واقعا استوار و پاینده بودند اما وجود خطوط احترام برانگیز، پیری و یک عمر کار سخت ، بر چهره ی آرامشان نمی گذاشت ،که چشم بر آنها پوشیده و گذشت و کلاه از سر بر نداشت و تمام قد ، بدون سلام و احوالپرسی از ایشان عبور کرد.البته چندین جوان آرام و دلنشین هم در جمعیت جلوه ای خاص داشتند.بوی دوستی رفاقت همدلی ،مطالعه ،مدارا،شعر،مبارزه و پیوستگی می آمد. بیشتر توجه کردم .گویی پناهگاه باز سازی شده و تغییراتی کرده و داخل مشغولند. ! درود و سلامی و سرکی ، مانده نباشید آقایان.دست شما

درد نکند ! پیرمردی بلند بالا از جنس دانایی و کار و آگاهی از زمانه ها، از پشت عینک، سری چرخاند. قربانت ! عزیز! ممنون! ومن گفتم ، چه خوب ، بازسازی اش کرده اید؟. آری عزیزم ، اینجا کلبه ی عشق و یاری سالهای مانده از دوروهمدلی ماست. با یادهایی جاودانه از دوستان و رفیقان و یاران عزیزمان ! درود بر شما و همه ی رفقا . اما استاد ! بنایی؟! اینجا؟ که آب نیست ، مصالح را چطور آورده اید؟ بانگشت اشاره به شرق پائین قله و چشم اندازکلان شهر تهران و دشت دماوند و دریاچه ی سد لتیان ، عزیزم آب را از آن چشمه ی کلکچال می آوریم و مصالح و سیمان و سنگ را نیز از پائین پائین ، آن سال هاهم جان کاه بود، امکانات و تله کابین و این حرفاهم نبود ، کارگری و بی پولی ، اما ساختیم و با تلخی ها و دیدن زندان ها و اعدام ها حفظش کردیم . و با اشاره به بغل دستی اش، دکترو بگو! . او که پالت های چوبی را برای کف می برید، گفت ، بله داستان داره عزیزم ، سال 5231 دکتر گلگلاب و مهندس میر هادی پناهگاه شیر پلا رو ساختند و سال 15 هم گروه کوهنورد کارگران فلز کاراین جان پناه رو درست کردند، تا اینکه ، پارسال دیدیم کمی خراب شده ، از فروردین تا بحال با کمک دوستان ، حالا تعمیرش کرده ایم . و دیگری رشته ی سخن را باجنباندن سبیل سفیدش بدست گرفت و نمی، اشک در چشمانش حلقه بست . عزیزم 14 سال پیش، ما بایاران و کارگران کوهنورد سندیکای فلز کار و مکانیک ، که هیچ امکاناتی در اینجا وجود نداشت . این جان پناه را برای کوهنوردان، دانشجویها و...بقیه ، ساختیم . اگر چه برما خیلی سخت گرفتند. شاید بتونم بگم چند جان دادیم تا این جان پناه را ساختیم. پشت سرهم اسم می برد. بعضی ها حاضر و برخی غایب، حرف های این بزرگان که حالا معلوم شد ازپیش کسوتان تلاش های صنفی

کارگران بودند..جانم را پر کرده بود. و در حدود نیم قرن زمان و تاریخ و دریای ذهن و خیال ، غوطه ور شده بودم . این مردان در نظرم جوانانی رشید و تلاشگر مجسم میشدند . که یکباره صدایی بغض آلود ، فضایم را ترکاند. محکم وبا احساس می خواند "جوشکارم ، "جوش کارم " ،با موهایی سفید و چهره ای آفتاب سوخته و سینه ای لبریز.. با اشاره به برج های بلند تهران دوباره می خواند،"پیرم و هنوز جوشکارم " و سرمایه های میلیاردی کارفرما و برج های سر به فلک کشده را من با آهن و چکش و سندانم ،جوش دادم و پر تکرار با خشم و محکم تر از قبل ،می گفت و"من هنوز جوشکارم من" ... جمع شدند .شعری خواندد." ای ایران" با بغض ، پر احساس ،بطوری که دماوند را در کنار نه چندان دوردست ، بیدار کرد و او عطر پونه های خاصش را برای نام ایران عزیز،سوار بر باد ، فراوان فرستاد و جمع،.خواندند، ای ایران ای ایران، و به سمت پائین کوه پای،افراختند.. پرازیاد و بغض، در فکر اینکه،ای کاش دست و باد پلیدی ،تابلو یادمان پنجاه سال جان پناه را کنده ویران نکند ، بودم.که مازیار گفت به چه چیزایی فکر می کنی،ثبت شد. کار سندی کایی و مدنی ،دوستی همدستی و رفاقت و همکاری و اعتماد می طلبد...و من که از این همکاری مدنی بسیار آموخته بودم شاد و پرنشاط شدم .عشق دوستان و همکاران معلم و یاران کانون و سال های گذشته را با خودم مرور می کردم.یاد رسول و فرزاد و محمود و ...از نظرم گذشت .خاک و خون و سبز و سرخ و رنگارگ پیش چشم به سوی سرایشی می غلطیدم تا به شما برسم . و پیام رمز نشاط و رفاقت ، محبت و همکاری و مدارا را گرم و پر نشاط از قله دوستی معلم و کارگرسوغات بیاورم.

علی اصغر ذاتی : یاور کانون صنفی معلمان ایران همراه نسل جوان و دانش آموزان و دانشجویان

نظر یک فعال سندیکایی در مورد تأثیر انتشار «پیام سندیکا» بر سندیکاهای خارجی و فعالان ایرانی در خارج از کشور

نشریه‌های معتبر کارگری و سندیکایی سهم مهمی در بسیج همبستگی طبقه کارگر جهان با جنبش حق‌طلبانه زحمتکشان و دیگر اقشار مردمی ایران ایفا می‌کنند. جالب حمایت و همبستگی جنبش کارگری جهان، و بویژه اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری مستقل و طبقاتی، از جنبه‌های مهم هر فعالیت مبارزاتی هدفمند کارگری است. نمونه‌های برجسته و موفق چنین همبستگی جهانی مؤثر می‌توان در مبارزه معاصر مردم در کشورهای نظیر آفریقای جنوبی، فلسطین، کوبا و ونزوئلا، چه در مسیر ساختمان جوامع نوین و چه در مبارزه با ستم و سرکوب طبقاتی، آشکارا مشاهده کرد. در این روند، سازمان‌دهی یک سیستم اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی صحیح، پیگیر و مناسب، بدون اغراق امری کلیدی و غیرقابل جایگزین است. در این زمینه، انتشار به‌موقع و منظم خبرورساندن بیدرنگ به مراکز و نیروهای عمده جنبش سندیکایی جهان اهمیتی کلیدی دارد. فعالان و رهبران جنبش سندیکایی کشورهای جهان در بیان دلیل موفقیت یا عدم موفقیت کارزار بسیج سندیکاهای جهان در حمایت از مبارزه و فعالیت هدفمند زحمتکشان کشورهای زیر قید و بندهای استبدادی و حکومت‌های ضدکارگری، به نقش اطلاع‌رسانی در قالب انتشار و پخش خبرهای موثق و مشخص، تحلیل‌های روشن و مستند و به‌موقع، و استمرار منظم خبررسانی اشاره کرده‌اند.

سندیکاهای کارگری مستقل و راستین ایران با انتشار نشریه «پیام سندیکا» سنت نیکو و اثربخشی راپایه‌ریزی کرده‌اند که می‌تواند یکی از نقطه ضعف های عمده جنبش کارگری کشورمان در عرصه ایجاد ارتباط منظم و منطقی با برادران و خواهران طبقاتی خود در خارج از کشور را برطرف کند.

انتشار منظم «پیام سندیکا» می‌تواند فعالان و دوستداران جنبش سندیکایی ایران در خارج از کشور را با واقعیت‌ها و مشکلات عینی از سرگیری کار هدفمند سندیکایی و گسترش صفوف جنبش سندیکایی در ایران، به‌ویژه در شرایط سیاسی مشخص حاکم بر کشور، آشنا کند. این امر مهمی است که می‌تواند انرژی مثبت قابل‌توجه و مؤثر شخصیت‌ها و نیروهای حامی طبقه کارگر و فعالیت‌های سندیکایی کارگران و زحمتکشان جهان را در خدمت رشد یک جنبش پُر توان در حمایت از سندیکا‌های واقعی در کشور قرار دهد. در همین ارتباط، شروع انتشار نشریه انگلیسی زبان «پیام‌آور سندیکا» (Union Messenger) نیز بعنوان یک ابتکار کارآ، بطور مشخص مورد استقبال نهادها و شخصیت‌های برجسته جنبش سندیکایی جهان قرار گرفته است. افزایش و تنوع چشمگیر کارزارهای همبستگی با تلاش‌های سندیکایی در ایران را، که در سال‌های اخیر در اروپا و آمریکای شمالی و در برخی از کشورهای آسیایی شاهد بوده‌ایم، باید در همین ارتباط ارزیابی کرد.

با انتشار بموقع و منظم «پیام سندیکا» و نشریه انگلیسی زبان «پیام‌آور سندیکا» و توجه دقیق به انتخاب خبرها، مطالب و تحلیل‌های مشخص و مربوط به مبارزه جنبش سندیکایی و کارگری ایران، باید جنبه خبررسانی موثق و مؤثر این دو نشریه را برجسته‌تر و بهتر کرد. همچنین، با کوشش در انتشار اخبار فعالیت‌های همه سندیکا‌های واقعی کشور و جلب همکاری دیگر سندیکا‌های موجود، نظیر کانون صنفی معلمان، می‌توان «پیام سندیکا» را به صدای رسای جنبش سندیکایی ایران تبدیل کرد. جنبش سندیکایی ایران تجربه مهمی را آغاز کرده است که در همین مدت کوتاه هم موفقیت شایان توجهی داشته است. این تجربه را باید تا پیروزی کامل در مبارزه برای احقاق حقوق اجتماعی برحق کارگران کشور ادامه داد. **جمشید احمدی**
از مسئولان جنبش سندیکایی در انگلستان

اعتراضات بافق، راهی پر از امید، اما طولانی

نسرین هزاره مقدم

دور دوم اعتصاب در بافق هم به پایان رسید. این دومین بار بود که کارگران بافق توانستند با وحدت و همبستگی تمام و با قدرت کامل، توانایی های خود را نشان بدهند، توانستند جدا از همه بحث های ایدئولوژیک، تئوری بافی های صرف و انتظار و انتظار برای بهتر شدن اوضاع، تمام وکمال، پا به عرصه عمل بگذارند و تا جایی که مقدور است و در توان دارند، در میدان مبارزه ایستادگی کنند و کوتاه نیایند.

اعتراضات بافق می تواند نقطه عطفی در جنبش کارگری ایران باشد، جنبشی که هنوز تا متشکل شدن و قدرت نمایی تمام عیار، راهی پر از سنگلاخ و بس طولانی در پیش رو دارد. این اعتراضات، با همه پیچ و خم ها، ریزه کاری ها و با وجود تلاش های بی وقفه مقامات برای دور زدن کارگران مزایایی داشت، نقاط پررنگ و در عین حال بدیعی که می تواند آغازگر مسیر تازه ای باشد، می تواند راهی جدید بگشاید تا حرکت های مقطعی و فردی، حرکت های اعتراضی گرچه پررنگ و کوبنده، اما گاهی بدون استمرار به اعتراضات سازمان یافته و منسجم مدنی تبدیل شود. وقتی که دقیق سیر حوادث بافق را پی می گیریم، متوجه می شویم که این اعتراضات، نقاط قوت زیادی داشت، پر از درس های مبارزه بود، اما در عین حال خلاها و کمبودهایی می بینیم و البته هنوزابهاماتی هم وجود دارند. اما ابتدا ببینیم این نقاط قوت و مزایا چه چیزهایی است:

اول- برای اولین بار به صورت دست جمعی و در قالب یک کنش کاملاً صنفی و در ابعاد بسیار گسترده، اعتراض علیه خصوصی سازی مطرح

شد. تا پیش از این همواره عواقب ناگوار این به قول برخی، “خودمانی سازی ها” و واگذاری به نهادهای وابسته به قدرت، مورد انتقاد فعالان و کارگران بوده است. اما شاید این اولین بار بود که اعتراض به نفس عمل “خصوصی سازی” در این ابعاد گسترده، عملی شد. این که نباید یک معدن خصوصی شود، این که علاج یک واقعه که همان بدتر شدن شرایط شغلی کارگران است، پیش از وقوع باید کرد، یک پدیده مبارزاتی تقریباً جدید در عرصه جنبش کارگری به وجود آورد. با نه گفتن به کلیت خصوصی سازی، پشت میزهای مذاکره رفت، ماشین آلات از کار افتادند و اعتصاب علیه اتفاقی که نباید بیفتد، همگانی شد.

دوم- این حرکت، تنها یک اعتراض صنفی محدود به کارگران یک معدن باقی نماند، بلکه تبدیل به یک حرکت توده ای شد. مردم شهر بافق، خانواده های کارگران و اصناف دیگر شهر به حرکت پیوستند و حمایت کردند. حتی خیلی از مقامات شهر از جمله نمایندگان مجلس و امام جمعه شهر واکنش هایی به نشانه همراهی نشان دادند. اعتراضات به حدی زورمند شد که مثل یک اهرم فشار توانست همه را به حرکت دربیآورد.

سوم- کارگران بافق بدون داشتن یک سندیکای متشکل، در طول این ماهها یک حرکت سندیکایی اصولی و سازمان یافته را تجربه کردند. این کارگران و نمایندگان آنها با عملگرایی و هوشیاری نشان دادند که چانه زنی جمعی و مذاکره، سازشکاری نیست. در صورتی که پنج هزار کارگر و همه مردم شهر پشت سر مذاکره کنندگان ایستاده باشند، هرگز مطالبه درخواست ها، ایستادن در موضع ضعف نیست. چرا که هر زمان مذاکره پاسخ ندهد و به نتیجه نرسد، حق اعتراض و اعتصاب برای این نیروهای انبوه و متحد محفوظ است، این حق، قانونی است و بی تردید به

نتیجه می رسد. کارگران بافق نشان دادند که میدان عمل، راهکارهای عملی می خواهد. تنها با شعار، تغییر جهان پیرامون ما ممکن نیست. مبارزه صنفی شناخت کافی از جغرافیا و شرایط می خواهد. باید شرایطی که ما را در بر گرفته بشناسیم. باید بدانیم امروز کجا ایستاده ایم، چه امکاناتی داریم، قوانین چیست، راههایی که می توانیم تغییر ایجاد کنیم، آن دریچه های کلیدی کجاست، کدام سمت است.

در روزهای اوجگیری اعتراضات در بافق، فقدان همگرایی همه سندیکاهای کارگری و انجمن های صنفی در حمایت از این کارگران به چشم می خورد. اغلب، سندیکاهای کارگری به بیانیه های جداگانه اکتفا کردند، اما جای یک حمایت جمعی، یک بیانیه جمعی از جانب همه تشکل ها و نهادهای صنفی، به شدت خالی بود و همچنان هم این جای خالی احساس می شود. لازم است که راهی باشد، باید مسیری ایجاد شود تا کارگران با تجربه ترو سندیکاهای قدیمی تر بتوانند تجربه خود را در اختیار حرکت های جدید بگذارند. با اتحاد در پشتیبانی و حمایت، می توان به ارگان های سرکوب و سرمایه نشان داد که اعتراض یک دسته از کارگران، نارضایتی و کنش فعال همه دستمزدبگیران را به عنوان یک پشتوانه حمایتی به دنبال خواهد داشت.

اما مهمتر از همه این است که حرکت بافق و اعتراض علیه خصوصی سازی معدن سنگ آهن، هنوز خاتمه نیافته، بلکه تنها وارد مرحله جدیدی شده. از این مساله نباید غافل شد. خاتمه این اعتصاب دوم هم به معنای خاتمه کامل این کنش صنفی نیست. پیروزی را جشن گرفتن، گرچه امیدوارکننده و نیروبخش است، اما پیروزی نهایی روزی است که به صورت قانونی و مکتوب نتیجه کار کاملاً مشخص شود. روزی که یک

مصوبه مکتوب، یک راهکار عملی قانونی، تکلیف این 28.5 درصد باقیمانده از سهام معدن را روشن کند. در حال حاضر، کارگران با گرفتن قول ها و وعده های غیر مکتوب به سر کار برگشته اند و هنوز که هنوز است، اختلاف بر سر سرنوشت معدن بافق و ابهامات در این زمینه ادامه دارد. در نامه آقای جهانگیری می خوانیم: **خصوصی سازی قطعی است و جای بحث و مذاکره ندارد.** از طرف دیگر، معاون سیاسی و امنیتی استاندار یزد، این اظهارات رئیس سازمان خصوصی سازی را در راستای بروز نارضایتی میان کارگران، التهاب آفرینی و دامن زدن به اعتراضات توصیف کرده است. او مدعی شده که طی دستور رئیس جمهور و مباحث مطرح شده در هیات دولت، واگذاری این سهام توسط فرابورس منتفی است. در خبرها هم می خوانیم که اولویت اول دولت برای این واگذاری، بخش خصوصی بافق و مردم بافق است. اما هنوز هیچ دستورالعمل مکتوبی برای نحوه واگذاری این سهام به مردم و شرح جزئیات عملی آن، موجود نیست.

این ابهامات، به راستی بیانگر این است که ماجرا تمام نشده، که کار خاتمه نیافته. نباید یادمان برود خیلی وقت ها، در همین تاریخ چند ده ساله و در عرصه مبارزات صنفی، بسیار زودتر از موعد جشن گرفته ایم، پیش از آن که باید و بیش از آن که باید خوشحال شده ایم، اما بارها وقتی مست پیروزی بودیم، با یک حرکت غافلگیرانه ضربه خورده ایم.

در حال حاضر اگر کارگران بافق پس از خاتمه این اعتصاب و عادی شدن اوضاع، همانطور که سندیکای کارگران شرکت واحد به درستی به آنها توصیه کرده اند، بتوانند تشکل و سندیکای خود را ایجاد کنند، نمایندگان واقعی و قانونی خود را انتخاب نموده و به پیگیری مطالبه ادامه

دهند، اگر قدرت اتحاد پنج هزار نفری و حمایت کل مردم شهر و فعالین کارگری را پشتوانه قرار داده و با قدرت در میدان عمل باقی بمانند، اگر فعالان کارگری و سندیکاهای، حمایت خود را از کارگران بافق نه تنها خاتمه نداده، بلکه گسترش دهند، اگر همه این فعالان باور کنند که مطالبه اصلی، آزاد کردن کارگران بیگناه نبوده، بلکه جلوگیری از خصوصی سازی بوده و هنوز تکلیف این مطالبه اصلی مشخص نیست، ابهامات رفع خواهد شد و وصول به نتیجه، قطعی است.

پس اگر درست بیاندیشیم ، باید قبول کنیم اعتراضات بافق هنوز در میانه راه است. این مبارزه باید ادامه داشته باشد اما این بار سر میزهای مذاکره و آنهم با حضور نمایندگان واقعی کارگران. تنها روزی که سهام معدن بافق، سهم کارگران و مردم این شهر شود، روزی که دست سود جویان از این معدن کاملاً کوتاه گردد، آن روز، روز پیروزی است.....

« رمز موفقیت در اعتصاب های کارگری ، حمایت کارگران دیگر واحدهای تولیدی از اعتصاب است. تنها اتحاد کارگران است که می تواند سرنوشتی را که سرمایه داری به کارگران تحمیل کرده است را تغییر دهد.»

13 اکتبر (5 مهرماه) روز جهانی آموزگار

بیش از 70 میلیون آموزگار در سراسر جهان یک هدف مشترک دارند : مبارزه با جهل و نادانی .

نخستین بار سازمان جهانی یونسکو UNESCO با مشارکت سازمان جهانی کار ILO در سال 1966 ، 5 اکتبر 13 مهر را به عنوان روز آموزگار به جهانیان معرفی کرد. بیش از 100 کشور جهان از جمله ایران در جریان تصمیم گیری برای نام گذاری ، روز جهانی آموزگار حضور داشتند و هدف آن توجه بیشتر به زندگی و معاش آموزگاران و بهبود کیفیت آموزش و تدریس است. در چهل و چهارمین نشست وزیران آموزش و پرورش جهان که در تاریخ 3 تا 8 اکتبر سال 1994 در شهر ژنو برگزار شد، پیشنهاد 5 اکتبر (13 مهرماه) به عنوان روز جهانی آموزگار به تصویب وزیران آموزش و پرورش 135 کشور جهان از جمله ایران رسید.

در شرایط کنونی جهان 57 میلیون کودک در سن تحصیل از رفتن به مدرسه محرومند که 54 درصد این کودکان دختر هستند. براساس آمار یونسکو ، یک سوم از 70 میلیون آموزگار جهان در زیر خط فقر زندگی می کنند. برای آن که تمام کودکان جهان زیر پوشش آموزش ابتدایی قرار گیرند ، باید پنج میلیون و 240 هزار آموزگار دیگر استخدام شوند.

باقر خسروی آموزگار

برگی از قانون

قانون اساسی هرکشوری مشخص کننده روابط بین حکومت گران و مردم آن کشور می باشد که باید به نفع مردم و نه به ضرر آنها تدوین یافته باشد. با این دید، قانون اساسی نباید آزادی های مردم را محدود کند. اصل 27 قانون اساسی حق تجمع و اعتراض را برای کلیه مردم ایران روا دانسته است. اصل 27 می گوید: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها ، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد ، آزاد است» در معدن بافق، کارگران می گویند نباید معدن را خصوصی سازی کنید. یعنی به سرمایه دار بفروشید. آیا این خواسته که بنا بر اصل 44 قانون اساسی است و نباید معادن را به بخش خصوصی فروخت ، مخل به مبانی اسلام است؟ آیا کارگران پتروشیمی رازی که می گویند نباید کارگر با قرار دادموقت استخدام شود مجازاتش شلاق و زندان است؟ آیا اعتصاب کارگران بافق برای دفاع از حقوق خود حمل سلاح بوده است که باید به زندان بیافتند؟ آیا حاکمان از رفتار خود خنده اشان نمی گیرد؟

اعتصاب یکی از اشکال اعتراضی است و طبق اصل 27 مجاز شمرده شده است. برای کسانی که به کارگران ایراد می گیرند که نباید اعتصاب کنند متذکر می شویم که آیت اله بهشتی رییس قوه قضاییه آن زمان و از تدوین کنندگان قانون اساسی، در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی حق اعتصاب را برای کارگران یک حق قانونی و انسانی دانسته است. چگونه حاکمان امروز برای محدود کردن آزادی های فردی و جمعی مردم به یاد این مصاحبه نمی افتند؟ حق اعتصاب مادر تمامی حقوق بوده و حق مبارزه در راه منافع ما زحمتکشان می باشد. ما از حقان گذشت نمی کنیم.

امروز زندگی را آغاز کن!

امروز زندگی را آغاز کن !

اگر سفر نکنی،

به آرامی آغاز به مردن خواهی کرد .

اگر کتابی نخوانی،

اگر به اصوات زندگی گوش ندهی،

اگر از خودت قدردانی نکنی، .

به آرامی آغاز به مردن می‌کنی .

زمانی که خودباوری را در خودت بکشی،

وقتی نگذاری دیگران به تو کمک کنند ،

. به آرامی آغاز به مردن می‌کنی

اگر برده ی عادات خود شوی،

اگر همیشه از یک راه تکراری بروی ، ...

، اگر روزمرگت را تغییر ندهی

اگر رنگهای متفاوت به تن نکنی،

؛ یا اگر با افراد ناشناس صحبت نکنی.

. تو به آرامی آغاز به مردن میکنی .

اگر از شور و حرارت،

از احساسات سرکش،

و از چیزهایی که چشمانت را به درخشش وامی‌دارند،
دوری کنی؛ و ضربان قلبت را تندتر می‌کنند،
تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی .
اگر هنگامی که با شغلت، یا عشقت شاد نیستی،
آن را عوض نکنی،
اگر برای مطمئن در نامطمئن خطر نکنی،
اگر به ورای رویاها نروی،
اگر به خودت اجازه ندهی ،
که حداقل یک بار در تمام زندگیت
.... ، ورای مصلحت‌اندیشی بروی
تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی.
امروز زندگی را آغاز کن !
امروز مخاطره کن !
امروز کاری کن !
نگذار که به آرامی بمیری !
هم امروز شادی را فراموش نکن !

شعر از :پابلونرودا ترجمه:احمد شاملو

با پیشروان جنبش سندیکایی آشنا شویم!

جنبش کارگری و سندیکایی زحمتکشان میهن ما در دوره های مختلف تاریخی، چهره های درخشان و رهبران و فعالین بزرگ و فداکاری را در دامن خود پرورانده است. یکی از این مبارزان، فرزند شایسته توده های محروم، کارگر و سندیکالیست قهرمان هدایت اله معلم است.

در میان رهبران و پیش کسوتان جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما هدایت اله معلم چهره ای پُر آوازه و شناخته شده ای به شمار می آید. او هنوز نوجوانی بیش نبود که برای کار در راه آهن از زادگاه خود، روستای نیار اردبیل عازم مازندران شد. کار دشوار در مناطق کوهستانی این نوجوان حساس را با ستم و استثمار آشنا ساخت. پس از مدتی به زادگاه خود باز گشت؛ فقر گسترده در این مناطق بار دیگر او را راهی کار، این بار در تهران کرد. ابتدا بصورت کارگر ساختمانی به کار مشغول شد و در همان حال با اراده ای قوی عصرها پس از ساعت ها کار توانفرسا در دوره شبانه درس خواند و دوره شش ساله را با موفقیت به پایان برد. در جستجوی شغل جدید ابتدا در تأسیسات راه آهن و سپس در انبار نفت به عنوان کارگر مشغول به کار شد؛ در همین سال ها جنبش سندیکایی زحمتکشان دوران اوج خود را می گذراند. این جوان کارگر در جلسات سندیکایی کارگران شرکت می جست و به سخنرانی ها و آموزش های سندیکایی گوش فرا می داد. در سال 1339 به عنوان کارگر در کارخانه پارس و آمریکا استخدام شد. در این سال ها از فعالین اصلی سندیکای فلزکارمکانیک محسوب می شد و تجربه فعالیت سندیکایی خود را به جوانان انتقال می داد. از بهترین کارهای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک که هدایت اله معلم به همراه محمدحسین خوان یغما در این

کارخانه انجام دادند ، عضو کردن همه کارگران کارخانه پارس آمریکا در سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بود. در کارخانه به همت او وسایر فعالین کتابخانه ای احداث شد. از سود ویژه برای کارگران صندوق تعاون برای مواقع لزوم تاسیس شد. جشن گرفتن اول ماه مه در کارخانه به هزینه کارفرما از اقدامات فعالان سندیکای فلزکارمکانیک در کارخانه پارس آمریکا بود. او در سال 1342 به دلیل مبارزات کارگری توسط ساواک دستگیر و دوباره در سال 1354 روانه زندان اوین شد. اما انقلاب شکوهمند مردم ایران درهای زندانها را گشود. هدایت اله معلم سندیکالیست آزاد شد و این رژیم سلطنتی بود که تا ابد به زباله دان تاریخ فرستاده شد. در آبان 1357 به دست توانای مردم از زندان آزاد گردید. بلافاصله فعالیت‌های سیاسی و سندیکایی را آغاز کرد. به سبب شایستگی‌های سیاسی، اخلاقی و وفاداری بی‌خدشه به آرمان زحمتکشان به عضویت هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک انتخاب شد. او در این سال‌ها بطور همه جانبه به سندیکاهای کارگری یاری می رساند و در فعالیت سندیکایی نقش موثر داشت. او در بازسازی مجدد سندیکای فلزکارمکانیک و تأسیس شرکت تعاونی آن نقش مهمی داشت و در عین حال به دلیل سابقه، اعتماد کارگران و آشنایی با موازین فعالیت سندیکایی از زمره مسئولان انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و توابع بود. در راه فعالیت مؤثر سندیکایی و ارتقاء نقش تشکل‌های مستقل بین سال‌های 1357 تا 1361 تلاش خستگی ناپذیر او در کنار سندیکالیست‌هایی چون حسن جلالی، عزت زارع و دیگران در به شکست کشاندن قانون کار توکلی که کارگران را چون حیوانات به شمار آورده بود، فراموش نشدنی است. او سمبل مقاومت، ایثار و وفاداری به آرمان طبقه کارگر ایران است. در سال 1367 در جریان کشتار دسته

جمعی زندانیان سیاسی - فاجعه ملی - هدایت اله معلم اعدام گردید.. نام هدایت معلم به عنوان یکی از رهبران بزرگ طبقه کارگر و جنبش کارگری - سندیکایی ایران در تاریخ میهن ما حک شده است. راه و یاد او جاودانه است!

«تلاش خستگی ناپذیر او در کنار سندیکالیست‌هایی چون حسن جلالی، عزت زارع و دیگران در به شکست کشاندن قانون کار توکلی که کارگران را چون حیوانات به شمار آورده بود، فراموش نشدنی است.»

درباره عکس روبرو:

بازگشت از جشن اول ماه مه در ده ونک 1341 . نشسته از راست :

؟ - محمدحسین خوان یغما عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک - ؟ - ؟ - هدایت اله معلم از فعالین سندیکای کارگران فلزکارمکانیک - ؟ - عبدالکریم غضنفری عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



۸۳۰

ورود یگان ویژه به معدن بافق



Iranian Labour News Agency

ILNA